

ملاحظات سیاستگذاری آموزش زبان در کشور

کد موضوعی: ۲۷۰

شماره مسلسل: ۱۲۳۶۱

اردیبهشت ماه ۱۳۹۱

به نام خدا

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
ابعاد نظری آموزش زبان	۴
پیامدهای فرهنگی دوره‌های مختلف سیاست زبانی	۱۰
الف) پیامدهای فرهنگی سیاست زبانی کار و فعالیت	۱۰
ب) پیامدهای فرهنگی سیاست زبانی تحصیل	۱۰
ج) پیامدهای فرهنگی سیاست زبانی مصرف و توریسم	۱۲
مواجهه با زبان بیگانه از منظر مقام معظم رهبری	۱۴
وضعیت کنونی آموزش زبان در کشور	۱۷
۱. آموزش رسمی (مدارس و دانشگاه‌ها)	۱۷
۲. آموزش آزاد (آموزشگاهی)	۲۲
جمع‌بندی و ارائه راهکارها	۲۷
۱. آموزش رسمی (مدارس و دانشگاه‌ها)	۲۸
۲. آموزش آزاد (آموزشگاهی)	۲۹
منابع و مأخذ	۳۲



ملاحظات سیاستگذاری آموزش زبان در کشور

چکیده

در این گزارش پس از طرح جایگاه آموزش زبان‌های بیگانه در سیاستگذاری فرهنگی، به تبیین نقش کلیدی آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان یکی از مهمترین ابزارهای جهانی‌سازی فرهنگ سکولار آنگلساکسونی در ایران پرداخته شده است. سپس با ارائه چارچوبی از موضوع مطرود ابعاد نظری آموزش زبان در جهان معاصر، امکان‌های نظری جهت اصلاح وضع فعلی آموزش زبان انگلیسی در کشور به‌علاوه دیدگاه مقام معظم رهبری در این مورد، به بحث گذاشته شده است. ارائه گزارشی اجمالی و منصفانه از یک مجموعه کتاب آموزش زبان انگلیسی و توصیه‌هایی برای عملیاتی کردن ایده‌های بخش‌های گذشته شامل راهکارهای کوتاه‌مدت (محتوایی، ساختاری و نظارتی) و بلندمدت (محتوایی)، قسمت پایانی این گزارش را تشکیل می‌دهند.

بنابراین گزارش، فرآیند پیدایش وضعیت کنونی آموزش زبان در کشور به شرح ذیل است:

جدول ۱. فرآیند پیدایش وضعیت کنونی آموزش زبان در ایران

پیامد مواضع آموزش رسمی	سطح ۱	سطح ۲	سطح ۳	سطح ۴
۱. تأکید بر اهمیت آموزش زبان انگلیسی ۲. تأکید بر ناکارآمدی نظام آموزش رسمی زبان انگلیسی	گسترش تقاضا برای حضور در آموزشگاه‌های آزاد زبان و اجبار به آموختن مکالمه	گسترش عرضه و تبدیل آموزش آزاد زبان به یک صنعت سودآور	گسترش سودجویی درصنعت آموزش زبان در غفلت نهادهای متولی ساماندهی	تحمیل هزینه‌های گزاف اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به فرد، خانواده و جامعه

مقدمه

سیاست آموزش زبان‌های بیگانه در چارچوب مرزهای ملی، یکی از مهمترین سیاستگذاری‌های فرهنگی در جهان معاصر و در عین حال یکی از مغفول‌ترین سیاستگذاری‌های فرهنگی در ایران است. به‌طور کلی می‌توان از دو گونه ضرورت در مواجهه با آموزش زبان‌های بیگانه به‌طور عام و

زبان انگلیسی به‌طور خاص نام برد. گونه نخست (ضرورت داخلی - واقعی) بر نیاز به آموزش زبان‌های بیگانه برای رفع نیازهای داخلی نظیر تبادلات علمی، تجاری و... تأکید کرده و مبتنی بر خواسته‌های سیاستگذار داخلی است. گونه دوم (ضرورت خارجی - غیرواقعی) بر نیاز به آموزش زبان‌های بیگانه برای رفع نیازهای ساختگی و تحمیلی از بیرون مرزها و عمدتاً متناسب با سیاست‌های فرهنگی بیگانگان است. بنابراین، باید ضرورت‌های واقعی آموزش زبان‌های بیگانه، مثلاً آموزش زبان در جهت گسترش علمی، گسترش شناخت از سایر جوامع، گسترش حضور در عرصه‌های بین‌المللی و... از سوی سیاستگذار داخلی تبیین شده و آگاهانه با ضرورت‌های خارجی، غیرواقعی و تحمیلی - که بیشترین سهم را در وضعیت فعلی آموزش زبان در کشور در اختیار داشته و آسیب‌های منفی فراوانی بر جای گذاشته است - به مبارزه پرداخت.

برای مبارزه با ضرورت‌های خارجی - غیرواقعی باید توجه داشت که یکی از مهمترین بسترهای تهدید نرم،^۱ جهانی‌سازی فرهنگ^۲ است. جهانی‌سازی فرهنگ را روند ادغام فرهنگ‌های

۱. جنگ نرم (Soft war) در مقابل جنگ سخت (Hard war) تعریف می‌شود و در حقیقت شامل هر گونه اقدام روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای و فرهنگی است که بدون درگیری نظامی و اعمال خشونت، رقیب را به انفعال یا شکست وا می‌دارد. جنگ نرم در پی از پای در آوردن اندیشه و تفکر جامعه یا گروه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کرده و در نظام سیاسی-اجتماعی حاکم، تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۶: ۷۴-۵۷). با این اوصاف طیف وسیعی از اقدامات از جنگ رایانه‌ای و فعالیت‌های اینترنتی تا راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی و موارد دیگر ذیل عنوان جنگ نرم می‌گنجد. جنگ نرم گاه به‌عنوان جایگزین روش‌های سخت (وقتی که آن روش‌ها با شکست یا ناکارآمدی مواجه شده باشند) و گاه به‌عنوان مقدمه و پیش‌درآمد و زمینه‌ساز این روش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (صدر، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۴). تهدیدات نرم را می‌توان با دو معیار اساسی از تهدیدات سخت باز شناخت. اولین معیار، غیر خشونت‌آمیز بودن روش تهدید و معیار دوم، نرم‌افزاری بودن پیامد تهدید است. بنابراین چنانچه تهدیدی از سوی عامل آن به روش غیر خشونت‌آمیز اجرا گردد و پیامدهای ناشی از آن نیز نرم‌افزاری باشد، تهدید نرم نامیده می‌شود (صدر، ۱۳۸۸: ۸۴). تهدیدات نرم (Soft Treatment) از جهات بسیاری، بر تهدید سخت ترجیح دارد و همین امر سبب می‌شود تا قدرت‌های متخاصم برای مقابله با حریف به سراغ آن بروند و چنانچه پاسخ مطلوب را از این راه نگرفتند سراغ دیگر گزینه‌ها را بگیرند. موارد زیر را می‌توان به‌عنوان مهمترین علل این ترجیح ذکر کرد:

۱. خسارت کم،
۲. پنهان بودن،
۳. وسیع‌تر بودن گستره نتایج،
۴. عمیق‌تر بودن اثر گذاری‌ها،
۵. کاهش امکان مقابله،
۶. پایین بودن تبعات روانی و تبلیغاتی برای نیروی مهاجم،
۷. مساعدتر بودن زمینه عمومی موفقیت،
۸. ماهیت تفرقه‌انگیز (صدر، ۱۳۸۸: ۸۸-۹۲).

۲. مهمترین مؤلفه‌های ارزشی جهانی‌سازی فرهنگ عبارتند از:

- علم‌زدگی (scientism) که تفکر غالب عصر مدرن در برخورداری از دانش و فناوری است،
- لیبرالیسم (liberalism) و دمکراسی (Democracy) به‌عنوان دو خاستگاه مهم جهانی‌سازی،
- پلورالیسم به‌عنوان پایان دادن به ادعای حقانیت ادیان، مسلک‌ها و آیین‌ها، از طریق نهادینه کردن نسبی‌گرایی،
- ایجاد هویت جعلی جهانی از طریق تضعیف و از بین بردن هویت‌های دینی و ملی،
- سکولاریسم و... (صدر، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸).



ملی و قومی، به‌عنوان واحدهای فرهنگی، برای ایجاد فرهنگی جهانی تعریف می‌کنند.^۱ ترویج مؤلفه‌های ارزشی سکولار و مدرن جهانی از راه‌های گوناگونی پیگیری می‌شود، اما به‌طور کلی، دو رویکرد در مدیریت تغییرات فرهنگی - اجتماعی جوامع وجود داشته است:

۱. رویکرد نخبه‌گرایانه‌ای که معتقد است ارزش‌ها سازنده شیوه رفتار و هنجارها هستند. در این حالت، آموزش نگرش‌ها و ارزش‌های مدرن، مهمترین عامل ترویج (خودآگاهانه) رفتارها و سبک زندگی مدرن است.

۲. رویکرد متأخری که معتقد است شیوه‌های رفتار و هنجارها، تغییر ارزش‌ها را به دنبال خواهند داشت. در این حالت، ترویج رفتارها و سبک زندگی مدرن، خود به خود (ناخودآگاه) نگرش‌ها و ارزش‌های مدرن را پدید خواهد آورد.

در این حال، آموزش زبان به‌طور عام و آموزش مکالمه به‌طور خاص، به‌عنوان بستری که چارچوب‌های نظری و فضای ذهنی خاص خود را بسط می‌دهد، جامع دو رویکرد فوق (البته با غلبه رویکرد دوم) و از روش‌های کلاسیک مبادلات فرهنگی است. به همین علت، یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای دیپلماسی فرهنگی در تمامی کشورها، گسترش زبان است. به‌عبارت دیگر، آموزش زبان به مثابه یک مجموعه به هم پیوسته، از یکسو بستری از اطلاعات و آگاهی‌ها، ارزش‌ها و هنجارها، روش‌های استدلال و اندیشه، بایدها و نبایدها، درست‌ها و غلط‌ها و... را توصیف می‌کند و ازسوی دیگر، عملیاتی شدن موارد قبل در زندگی روزمره را توصیف و تشریح می‌کند.

برای مثال، برای گنجاندن مکالمه‌ای درباره مراسم محرم، ابتدا باید چند سطری درباره شخصیت امام حسین(ع) به‌عنوان نوه پیامبر(ص) و امام سوم شیعیان، دوران زندگی ایشان در سال ۶۱ هجری، سرزمین کربلا، روز عاشورا، مسئله شهادت، اسارت اهل بیت و... سخن گفت^۲ و سپس مکالمه کوتاهی از زندگی روزمره را گنجانند. در این مکالمه حتماً زبان‌آموز با لغات جدیدی نظیر پیراهن سیاه، هیئت، دسته، روضه، گریه، روحانی، مداح، غذای نذری، قیمه، زنجیرزنی، سینه‌زنی و... مواجه خواهد شد. در اینجا، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد زبان‌آموز ابتدا با فشرده‌ای از اطلاعات و ارزش‌ها، شیوه استدلالی که حق و باطل را تمیز داده و بر مظلومیت امام حسین(ع) می‌گیرد و سپس با شیوه زندگی یک انسان ایرانی و مسلمان آشنا می‌شود. همه این آموزش‌ها نیز ذیل آموزش مکالمه زبان بوده و هیچ‌گونه حساسیتی را برنمی‌انگیزد.

۱. جهانی‌سازی فرهنگ (Globalization) با غربی‌سازی (Westernization)، مکدونالزاتی شدن (McDonaldization)، دورگه‌سازی (hybridization) و مفاهیم بسیار دیگر، ارتباط نزدیکی دارد. این عبارات، اگرچه صورت‌ها و سطوح مختلف جهانی‌سازی را پوشش می‌دهند، اما در یک مسئله اشتراک دارند و آن همه‌گیری ارزش‌های مدرنیته چه به‌صورت نحوی پروژه و چه به‌صورت نوعی پروسه است.

۲. این بخش معمولاً توسط معلم کلاس اجرا می‌شود.

حال اهمیت آموزش زبان انگلیسی بالاخص زبان مکالمه به‌عنوان یکی از راه‌های جهانی‌سازی ارزش‌های مدرن و سکولار، آن هم با حق انتخاب میان لهجه انگلیسی^۱ یا آمریکایی^۲ مشخص می‌شود. تلاش و حتی رقابت این کشورها با یکدیگر در جهت گسترش زبان خود و پدید آمدن صنعت آموزش زبان (که تولید، بازاریابی، فروش و اصلاح مکرر طیف گسترده‌ای از محصولات نظیر کتاب درسی و کتاب تمرین، کتاب‌های داستان، نوار کاست، انواع CDهای آموزشی، فیلم، اخبار و... را شامل می‌شود) نیز در همین راستا قابل تحلیل است.^۳

در کشور ما نیز، یکی از بسترهایی که کمترین توجه بدان شده است گسترش روزافزون مؤسسات و آموزشگاه‌های تدریس و ترویج زبان‌های خارجی خصوصاً انگلیسی است. طبیعی است که نمی‌توان منکر استفاده‌های ضروری و فراوان این زبان‌ها در امر تحصیلات و یا هر گونه ارتباطگیری و تعامل با کشورهای دیگر شد. اما در عین حال از این نکته نیز نباید غفلت کرد که این قبیل آموزش‌ها تنها به مسئله زبان ختم نمی‌شود و مروری گذرا بر متون و شیوه‌های تدریس و آموزش در این مؤسسات که اغلب تقلیدی و وارداتی است مؤید این واقعیت است که علاوه بر زبان و در پوشش آن، فرهنگ غربی هم در حال آموزش و تبلیغ و ترویج است. به علاوه که دقیقاً روشن نیست چه میزان از این آموزش‌ها متناسب با نیازهای واقعی کشور است.^۴ بنابراین سیاستگذاری زبانی یک سیاستگذاری بنیادی و ضروری در جهان امروز است.

ابعاد نظری آموزش زبان

پیش‌تر گفتیم که آموزش زبان یکی از مهمترین بسترهای تهدید نرم و جهانی‌سازی فرهنگ در پوشش آموزش و فضای تعلیم و تربیت است. ازسوی دیگر، یادگرفتن زبان‌های بیگانه یکی از مهمترین فرآیندهای فرهنگی در جهان امروز است، زیرا ارتباطات میان‌فرهنگی و بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. امروزه رسانه‌های جهانی پدیدار شده‌اند و رسانه‌ها به زبان‌های متفاوت سخن می‌گویند و افراد برای آگاهی یافتن از رسانه‌ها ملزم به یادگیری زبان هستند. همچنین توریسم، مهاجرت‌های علمی، سیاسی، مذهبی و... مخاطبان را به زبان مقصد وابسته می‌کند. بنابراین گسترش زبان بومی در جهان یکی از راهبردهای فرهنگی کشورهای مختلف است، زیرا با نفوذ زبانی، نفوذ فرهنگی نیز

1. British

2. American

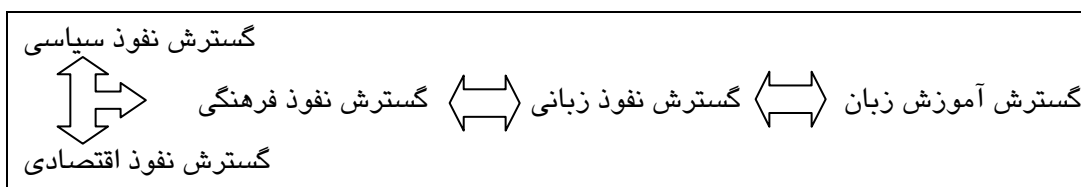
۳. مقایسه آنچه درباره آموزش زبان گفته شد با هر صنعت دیگری مثلاً صنعت موبایل، به خوبی صنعت بودن آموزش زبان را برملا می‌سازد. به‌نظر شما برافتادن و برآمدن روش‌های جدید آموزش زبان ناشی از چیست؟

۴. نگاه کنید به: جنگ نرم و وضعیت کنونی ما، ویراست دوم، تهران، مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی (صدرا)، اسفند ۱۳۸۸، صص ۲۷۲-۲۷۳.



رخ می‌دهد و نفوذ فرهنگی، نفوذ سیاسی و اقتصادی را به وجود می‌آورد. بنابراین در فضای جهانی شدن اقتصاد، یکی از مهمترین سیاستگذاری‌ها، نفوذ زبانی است. عکس این امر نیز صادق است، یعنی نفوذ سیاسی و اقتصادی به نفوذ فرهنگی و از جمله نفوذ زبانی منجر خواهد شد.^۱

نمودار ۱. رابطه آموزش زبان و نفوذ سیاسی - اقتصادی



بعد از جنگ جهانی دوم که آمریکا تا حدودی جایگاه قدرت‌های اروپایی را در عرصه بین‌المللی اشغال کرد، موقعیت زبان انگلیسی تقویت شده و به واسطه زمینه‌هایی که پیش‌تر توسط دولت بریتانیا به وجود آمده بود، جای سایر زبان‌های رقیب از جمله فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی و ایتالیایی را در جهان گرفت. با تثبیت موقعیت زبان انگلیسی که با ابرقدرتی آمریکا همراه بود، گسترش نفوذ سیاسی - اقتصادی آنها نیز اوج گرفت و بالعکس نفوذ سیاسی - اقتصادی آنها نیز به نفوذ زبانی‌شان افزود. این فرآیند امروزه به مرحله‌ای رسیده است که ۴ میلیارد انسان به زبان انگلیسی به عنوان زبان اول یا دوم سخن می‌گویند و سن زبان انگلیسی‌آموزی در کشوری چون ایران به زیر ۷ سال^۲ و تقریباً مانند زبان مادری رسیده است و زمانی که علت این مسئله از خانواده پرسیده می‌شود، می‌گویند: زبان انگلیسی، زبان علم و فرهنگ، زبان آینده و زبان پیشرفت است و در سبد هزینه خانوار خود نیز آموزش زبان انگلیسی را قرار می‌دهند. نفوذ فرهنگ آمریکایی و انگلیسی نیز در ایران به وسیله زبان انگلیسی‌آموزی رخ می‌دهد. کتبی که مؤسسات زبان برای تدریس برمی‌گزینند، سراسر فرهنگ آنگلوساکسونی^۳ است که در ایران نفوذ عمیق می‌کند.^۴ (فیاض، ۱۳۸۶: ۱-۲)

۱. برای مثال در سال‌های نه چندان دور، بر اثر نفوذ سیاسی - اقتصادی انگلستان، زبان کشور هند و حروف الفبا در ترکیه به انگلیسی تغییر یافته است.

۲. متأسفانه امروزه بسیاری از مهدکودک‌ها از ۴ سالگی به آموزش زبان انگلیسی و در برخی موارد، انگلیسی و فرانسوی مبادرت می‌نمایند.

۳. انگلوساکسون‌ها، ملت‌هایی هستند که زبان انگلیسی، زبان رسمی آنهاست و در هر نقطه از دنیا که پراکنده باشند، به این زبان سخن می‌گویند؛ مثل انگلستان و آمریکا و استرالیا و کانادا. بنابراین شامل کشورهای مثل هند، سنگاپور و مالزی که زبان انگلیسی، زبان دوم آنهاست، نمی‌شود.

۴. نکته جالب در این رابطه جدیت شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان از جمله بی‌بی‌سی فارسی، من‌وتو و فارسی‌وان برای آموزش زبان انگلیسی به مخاطبان ایرانی، افغانی و... است که نشان‌دهنده نقش زبان انگلیسی در برآورده شدن خواسته‌های فرهنگی - اجتماعی - سیاسی - اقتصادی آنان از یکسو و احساس نیاز مخاطبان فارسی‌زبان به آموختن زبان‌های بیگانه از سوی دیگر است.

نگرش غالب و ناصحیح ایرانیان نسبت به اهمیت و ضرورت آموختن زبان انگلیسی به‌گونه‌ای است که نعمت‌الله فاضلی در بخش اول سفرنامه ایتالیا مندرج در کتاب «مردم‌نگاری سفر» می‌گوید: «گمان کردیم اینجا اروپاست و انگلیسی هم زبان جهانی است، لابد همه انگلیسی می‌دانند. اما هر چه زمان بیشتر گذشت، کمتر ایتالیایی انگلیسی‌دان یافتیم. نه تنها مردم کوچه و بازار انگلیسی نمی‌دانستند، بلکه در خیابان‌ها هم به‌ندرت تابلو و نوشته انگلیسی دیده می‌شد. بهتر است واقعیت را بگویم، اصلاً نشانی و نامی از زبان انگلیسی در هیچ جا ندیدیم! حتی موزه‌ها و مکان‌های توریستی هم به‌ندرت راهنمای انگلیسی داشتند، مگر جایی که کاتالوگ راهنما به زبان‌های مختلف بود، در آن صورت انگلیسی هم زبانی مثل زبان‌های دیگر! گمان می‌کردم فقط آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها تعصب زبانی دارند و تن به اقتدار زبان انگلیسی نمی‌دهند. دیدم خیر. اروپایی‌ها عموماً بر هویت زبانی خودشان در برابر امپراتوری جهان‌گستر زبان انگلیسی تأکید دارند و آن را نوعی «مقاومت فرهنگی» اروپا در مقابل «آمریکایی شدن» تلقی می‌کنند. با این حساب، زبان انگلیسی فقط برای ما جهان‌سومی‌ها اهمیت حیاتی دارد!»^۱

جدول ۲. عوامل مؤثر در آموزش زبان و پیامدهای آن

پیامدها		عوامل مؤثر در گسترش احساس نیاز به آموزش زبان			
سطح ۴	سطح ۳	سطح ۲	سطح ۱		
نفوذ سیاسی	گسترش نفوذ فرهنگی	گسترش نفوذ زبانی	صنعت آموزش زبان داخلی	گسترش آموزش زبان	رسانه‌های جهانی (ماهورها، فضای مجازی و...)
			صنعت آموزش زبان بین‌المللی		تفریحات جدید (بازی‌ها، فیلم‌ها و...)
نفوذ اقتصادی					توریسم
					مهاجرت‌های علمی، سیاسی، مذهبی
					آموزش‌های عالی دانشگاهی
					گسترش تجارت بین‌المللی
					تولیدات صنعتی و تکنولوژیک

آموزش زبان گونه‌های مختلفی دارد، که به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند:

- زبان شنیداری - گفتاری،

- زبان نوشتاری - خواندنی.

زبان نوشتاری - خواندنی اساس رشد علم و فکر است، در حالی‌که زبان مکالمه فقط زبان

انتقال فرهنگی است و کمتر کمکی به خواندن متون علمی و فکری می‌کند. از طرف دیگر، کسی که



زبان مکالمه را یاد می‌گیرد، باید این توانایی خود را به‌کار بگیرد تا رضایت نفسی پیدا کند؛ پس به دنبال گوش دادن به موسیقی‌های انگلیسی، ماهواره و ارتباط اینترنتی (چت) می‌رود و این امر، غرب‌زدگی را در جامعه گسترش می‌دهد. بر عکس، کسی که زبان نوشتاری - خواندنی را دنبال می‌کند به دنبال کتاب‌خوانی می‌رود که سبب انتقال علمی می‌شود (همان). در ایران زبان آموزش انگلیسی، زبان شنیداری - گفتاری (مکالمه) است نه زبان نوشتاری - خواندنی و با عنایت به قرابت زبان نوشتاری - خواندنی با نیازهای واقعی و زبان شنیداری - گفتاری با نیازهای کاذب و مخرب؛ باید سیاستگذاری زبان در ایران عوض شود و به سوی زبان خواندنی - نوشتاری برود تا انتقال علمی را به دنبال آورد.

جدول ۳. گونه‌های آموزش زبان و پیامدهای آنها

پیامدهای گونه‌های مختلف زبان	گونه‌های آموزش زبان
گسترش مصرف فرهنگی ← گسترش غرب‌زدگی / تهاجم فرهنگی	زبان شنیداری - گفتاری
گسترش مصرف علمی ← گسترش انتقال / توسعه علمی	زبان نوشتاری - خواندنی

امروزه غربی‌ها نیز زبان‌های آموزشی خود را در جهان تغییر داده‌اند، زیرا در دوره اول، زبان آموزشی آنها زبان کار و فعالیت بود. در دوره دوم، زبان آموزشی آنها زبان تحصیلی و دعوت به تحصیل در کشورهایشان شد، ولی امروزه زبان آنها به زبان مصرف و توریسم تغییر کرده است و حتی نفی زبان کار و تحصیل می‌شود^۱ (همان: ۲-۳).

واقعیت آن است که متناسب با وقوع تحولات اقتصادی - اجتماعی^۲ در جوامع مدرن غربی، سیاست‌های آموزش زبان نیز پدید آمده‌اند. در قرون پانزده، شانزده و هفده میلادی که با

۱. تذکر این نکته ضرورت دارد که سخن گفتن از سیر تحولات سیاست آموزش زبان، به معنی تفکیک زمانی دقیق سیاست‌ها و یا نابودی کامل سایر رویکردها نیست، بلکه سخن از غلبه نوع خاصی از سیاست آموزش زبان بر گونه‌های پیشین است.
۲. برای شناخت تحولات اقتصادی - اجتماعی جوامع غربی، شناخت مراحل نظام سرمایه‌سالاری غربی ضرورت دارد. شهریار زرشناس مراحل ۶ گانه نظام سرمایه‌سالاری غربی را به‌صورت ذیل طبقه‌بندی می‌کند:
 ۱. شکل‌گیری صورت اولیه و شاکله نظام سرمایه‌سالاری بر مبنای انباشت سرمایه تجاری از حدود قرن پانزدهم تا نیمه قرن هجدهم،
 ۲. پیدایی سرمایه‌سالاری صنعتی لیبرالیست مبتنی بر انقلاب صنعتی از حدود ۱۷۶۰ تا ۱۷۸۰،
 ۳. ظهور سرمایه‌سالاری خصوصی و نیمه‌دولتی و رونق‌گیری ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و پیدایش نخستین دولت سرمایه‌سالار سوسیالیستی از حدود ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۰،
 ۴. ظهور سرمایه‌سالاری ناسیونال - سوسیالیستی (فاشیستی) و تشکیل قطب‌بندی‌های دول امپریالیستی مبتنی بر کاپیتالیسم نیمه‌لیبرال، فاشیسم و سوسیالیسم و ظهور بحران بزرگ اقتصادی از حدود ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰،
 ۵. ظهور دولت‌های رفاه (سوسیال دمکراتیک) و شکل‌گیری تضاد میان قطب‌های سرمایه‌سالاری موسوم به جنگ سرد از حدود ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰،
 ۶. احیای نئولیبرالیسم و تشدید بحران میان شمال و جنوب در سال‌های پس از ۱۹۹۰ میلادی (زرشناس، ۱۳۸۹: ۲۱۶).

سرمایه‌سالاری^۱ تجاری مواجه هستیم (زرشناس، ۱۳۸۹: ۲۱۳)، سیاست آموزش زبان تقریباً محلی از اعراب ندارد.^۲

در قرون هجده و نوزده میلادی که سرمایه‌سالاری صنعتی در غرب ظهور و بروز یافته است^۳ (همان)، زبان کار و فعالیت در آموزش زبان غلبه می‌یابد. نکته مهم در این رابطه گستردگی مخاطبان این زبان‌ها در کشورهای مستعمره و محدودیت آنها در سایر کشورهای جهان و ظهور ایده‌های مارکسیستی مبتنی بر زیربنا بودن اقتصاد و تضاد میان مالکان ابزار تولید و نیروی کار در علوم اجتماعی مدرن است.

در سال‌های بعد، که رویکرد استعماری کلاسیک قرون پانزدهم تا نوزدهم نسبت به ملل محروم غیراروپایی جای خود را به رویکرد مبتنی بر صدور سرمایه به جای کالا و غارت دوچندان اقتصادی اما کمتر نظامی و آشکار توسط انحصارات بزرگ کاپیتالیستی (استعمار نو) داد (همان: ۲۲۱) زبان تحصیلی در آموزش زبان غلبه می‌یابد. نکته مهم در این رابطه گسترش مخاطبان این زبان در کشورهای در حال توسعه و جدال ایدئولوژی‌های مدرن برای گسترش اعمار وابسته جهان سومی است.

از آغاز جنگ سرد که دوران سیطره تام و تمام شرکت‌های غول‌آسای چندملیتی، طرح‌ریزی مدل‌های توسعه برای گسترش مدرنیزاسیون در سراسر جهان، پدید آمدن دولت‌های رفاه، سیاره‌ای شدن حاکمیت اقتصادی مدرن و پیدایش اقتصاد جهانی است (همان: ۲۲۲)، تا امروز که دوران احیای نئولیبرالیسم است (همان: ۲۲۳) نیز، زبان مصرف و توریسم در آموزش زبان غلبه یافته است. نکته مهم در این رابطه گسترش وسیع مخاطبان این زبان متناسب با پدید آمدن رسانه‌های فراگیر نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و... است که با تحولات فرهنگی بین‌المللی نظیر جهانی‌سازی فرهنگ و تحولات فرهنگی جوامع غربی یعنی پست‌مدرنیسم همخوانی و قرابت دارد.

1. Capitalism

۲. لازم به‌ذکر است که مقوله سیاستگذاری و به ویژه سیاست فرهنگی امر نسبتاً جدیدی در تاریخ بشر است و ریشه تاریخی و تبارشناختی آن به شکل‌گیری دولت - ملت‌های جدید در قرون هجدهم و نوزدهم بازمی‌گردد. برای آگاهی بیشتر در این رابطه نگاه کنید به:

۱. نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، فرهنگ و دولت: سیاست فرهنگی از دیدگاه مطالعات فرهنگی، کتاب انتشار نیافته.
 ۲. جیم مک‌گوئیگان، بازاندیشی در سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت‌الله فاضلی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۰.
 ۳. دایانا کرین و نوبوکو ناواشیما و کنجی کاوازاکی، فرهنگ جهانی: رسانه‌ها، هنرها، سیاستگذاری و جهانی شدن، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.
 ۴. توبی میلر و گئورگ یودیس، سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۳. نگاه کنید به: رابرت هایلبرونر، بزرگان اقتصاد، ترجمه احمد شهسا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷، صص ۱۵-۲۰.



به هر روی، تناسب تحولات اقتصادی - اجتماعی در جامعه غربی با تحولات آموزش زبان، به معنی خالی بودن این سیاست‌ها از رویکردهای خصمانه و چپاولگرانه ذیل عنوان فریبنده منافع ملی نیست. بنابر آنچه گفته شد، درباره تغییرات زبان‌های آموزشی در جهان - به تبع نگرش‌های کلان درباره فرهنگ - دو رویکرد عمده وجود دارد. رویکردی که سخن از «تفاوت فرهنگی» می‌گوید؛ تغییرات زبان‌های آموزشی را نیز ناشی از تحولات فرهنگی جوامع غربی می‌داند. در حالی که رویکردی که سخن از «تهاجم فرهنگی» می‌گوید نوعی خصومت و غرض‌ورزی را در تغییرات زبان‌های آموزشی، تشخیص می‌دهد.

اما به هر صورت یک نکته در هر دو فرض یکسان است؛ غربی‌ها زبان آموزشی خود برای دیگران را براساس منفعت و مزیت نسبی خود قرار داده‌اند (همان) یعنی متناسب با فضای حاکم بر جامعه خود، سیاست آموزش زبان را تغییر می‌دهند. مثلاً هنگامی که به مواد خام و نیروی کار ارزان سایر جوامع احتیاج دارند، زبان کار و فعالیت را بسط می‌دهند و برای تأمین تکنوکرات‌های حامی صنایع مونتاز، زبان تحصیل را توسعه می‌دهند و هنگامی که بقای خود را در گسترش بازار و مصرف‌گرایی رادیکال می‌بینند، با گسترش زبان مصرف، انواع نیازهای جدید و مارک‌های تجاری را تبلیغ و ترویج می‌کنند و از مصرف، به‌عنوان سازنده هویت و حتی عامل مقاومت در برابر قدرت یاد می‌کنند.

جدول ۴. دگرگونی در سیاست زبان‌آموزی کشورهای غربی

دوره‌ها	سیاست زبان‌آموزی	پیامد سیاست زبان‌آموزی در کشورهای غیر غربی	مخاطب استعمارگران غربی برای استثمار ملت‌ها	نامگذاری استعمارگران بر ملت‌های تحت استثمار
دوره اول	زبان کار و فعالیت (غلبه با فرهنگ تولید و صنعت)	تحقیر فرهنگ‌های بومی و پذیرش قضاوت غربیان درباره خود تلاش برای محو فرهنگ‌های بومی و پیدایش نطفه‌های مقاومت بومی	شاه، درباریان و ماسون‌ها در سایر کشورها توده‌های مردم در کشورهای مستعمره	عقب‌مانده/ بربر
دوره دوم	زبان تحصیلی (غلبه با انتقال فرهنگ آکادمیک)	علیرغم فواید احتمالی آسیب‌هایی از جمله ترویج عقلانیت ابزاری ^۱ و بسط رویکردهای تجربه‌گرایانه ^۲ و حس‌گرایانه ^۳ دارد	اقتشار تحصیلی‌کرده و اصطلاحاً نخبگان	جهان سوم
دوره سوم	زبان مصرف و توریسم (غلبه با انتقال فرهنگ سرگرمی)	کاملاً مضر؛ ترویج ارزش‌های غربی از طریق تغییر سبک زندگی	توده‌های مردم	در حال توسعه

۱. کاپیتالیسم، انسان سودجو، سرمایه‌سالار و اومانیزم را می‌طلبد. در غیاب حاکمیت خودبنیادی (اومانیزم) سرمایه‌سالاری مدرن پدید نمی‌آید؛ هر چند ممکن است تکاثر، ثروت‌اندوزی و پول‌پرستی به گونه‌ای مفرط وجود داشته باشد. در واقع، عقل قرون وسطایی مسیحی یا عقل کیهان‌محور یونان و روم باستان به دلیل نبود سودانگاری ابزاری نمی‌توانسته سرمایه‌سالاری نوین را پدید آورد (زرشناس، ۱۳۸۹: ۲۱۲).

پیامدهای فرهنگی دوره‌های مختلف سیاست زبانی

الف) پیامدهای فرهنگی سیاست زبانی کار و فعالیت

پیش از پرداختن به پیامدهای فرهنگی سیاست زبانی کار و فعالیت، ذکر این نکته ضروری است که این سیاست زبانی به دو صورت مختلف وجود داشته است. گستردگی مخاطبان زبان کار و فعالیت در کشورهای مستعمره و محدودیت آنها در سایر کشورها اولین صورت آن است و تداوم زبان کار و فعالیت به صورت مهاجرت به کشورهای غربی در سال‌های اخیر، صورت دوم و متأخر آن می‌باشد. عمده مخاطبان زبان کار و فعالیت استعماری مانند مردم هند، ضمن از دست دادن برخی از ابعاد فرهنگ بومی و حفظ بخش دیگر از صورت‌های نمادین آن نظیر پوشش، تحت تأثیر گسترده سیاست‌های زبانی دوره دوم و سوم قرار گرفته‌اند. همچنین، بخش قابل توجه مخاطبان سیاست کار و فعالیت در دوره جدید یعنی مهاجران - که وجودشان ناشی از فرآیند کاهش مولید و در نتیجه کسری نیروی کار در جوامع غربی است - نیز به راحتی جذب فرهنگ جامعه مقصد شده و عملاً پیامدهای دوره دوم و سوم را توأمان از سر خواهند گذراند. در ادامه به پیامدهای فرهنگی سیاست زبانی دوره دوم (زبان تحصیلی) و سوم (زبان مصرف و توریسم) خواهیم پرداخت.

ب) پیامدهای فرهنگی سیاست زبانی تحصیل (که با زبان نوشتاری - خواندنی قرابت‌هایی دارد) زبان انگلیسی در جریان تولید و توزیع جهانی علم نیز تأثیر فراوانی دارد. «مجلات علمی بین‌المللی علوم انسانی و اجتماعی عموماً به زبان‌های اروپایی و به‌ویژه زبان انگلیسی منتشر می‌شوند. این امر به معنای آن است که همه ناگزیرند برای ارائه تولیدات علمی خود مطابق اصول، ارزش‌ها و معیارهای این مجلات دانش خود را تولید کرده و سامان دهند. از آنجا که خاستگاه علوم انسانی و اجتماعی مدرن کشورهای اروپایی است و این علوم طی دو سده اخیر در بستر اجتماعی و فرهنگی این کشورها تکوین، تحول و تکامل یافته است، لاجرم «گفتمان‌های غالب» این علوم و هنجارها و آداب و رسوم مربوط به توزیع و نشر آنها نیز جنبه اروپایی و غربی دارد. این امر یکی از موانع اصلی در راه مشارکت محققان غیرغربی در مجلات غربی است. بنابراین، مشکل عدم توسعه و رواج کافی زبان انگلیسی و آشنایی دانشگاهیان ایرانی با ذهن و زبان انگلیسی نقش مهمی در کاهش حضور کمی ایران در نشریات بین‌المللی دارد. اما این سخن به معنای آن نیست که در صورت گسترش زبان انگلیسی، دانشگاهیان ایرانی لزوماً موفق به کسب جایگاه واقعی بهتری در «اجتماع



علمی» دانش‌های انسانی و اجتماعی می‌شوند.^{۲۱}

همچنین «زبان انگلیسی نوعی جهان‌بینی خاص خود را می‌طلبد و در قالب زبان انگلیسی یک نوع جهان‌بینی خاص تجربه‌گرا و حس‌گرا ترویج شده و در قبال دیگر جهان‌بینی‌ها پرهیز و یا سانسور روا داشته می‌شود. جهان‌بینی تجربه‌گرا و حس‌گرا در مقابل جهان‌بینی‌های فلسفی، ادبی و هنری مقاومت می‌کند؛ به همین دلیل، جهان‌بینی‌های کشورهای مثل فرانسه و آلمان و کشورهای آسیایی و خاورمیانه‌ای در رسانه‌های انگلیسی زبان سانسور می‌شوند.^{۲۲} همچنین، فلسفه تحلیلی آنگلساکسون‌ها، رسالتی غیر از فروپاشی معرفتی کشورهای دیگر جهان ندارد. علت ایجابی آن نیز برخورد شدید با فلسفه اروپای قاره‌ای است و امروز نیز عامل ابقای خود را در برخورد با جهان اسلام و فلسفه‌های آن می‌بیند» (فیاض، ۱۳۸۳: ۲).

۱. نعمت‌الله فاضلی، کدام معیار؟ بررسی انسان‌شناختی در زمینه تولید علم و چالش‌های علوم‌انسانی در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۳۱ به نقل از: www.farhangshenasi.ir

۲. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به: رضا داوری اردکانی، توم توم توسعه علمی از طریق افزایش تعداد مقالات در فهرست ISI، اردکانی، روزنامه ایران، ش ۳۷۱۰، ۲۱/۵/۱۳۸۶، ص ۱۰، قابل دسترسی در آدرس: <http://ka.aspx۹۶۹.blogfa.com/post-۱۱۰>

۳. در این مورد متون بسیاری وجود دارد که غالباً ذیل عنوان نظریات پسااستعماری به‌ویژه در حوزه آموزش طبقه‌بندی می‌شوند. برای مثال به این عبارات توجه کنید:

تمام نویسندگانی که درباره استعمار قلم می‌زنند، آشکارا یا به‌طور ضمنی به آموزش و پرورش نیز توجه می‌کنند. البر می نشان می‌دهد که چگونه وجوه تشابه و اختلاف میان نظام‌های آموزشی کشور قطب و مستعمره هر دو علیه استعمارزده کار می‌کنند. مواد درسی و زبان تدریس در مدارس مستعمرات به طرز حیرت‌انگیزی نظیر مدارس کشور قطب، به‌ویژه مدارس مخصوص فقراست. در مدارس ابتدایی توجه خاصی به زبان، ارزش‌ها و هنجارهای اروپایی (مسیحیت) و تحقیر همه آنچه ساده‌بینانه است، می‌شود. تاریخی که به استعمارزده می‌آموزند تاریخ کشور خود او نیست. گویی همه چیز خارج از موطن او روی داده است. کتاب‌ها از جهانی با او سخن می‌گویند که ذره‌ای یادآور دنیای خودش نیست. معلمش راه و رسم پدرش را دنبال نمی‌کند؛ او دیگر جانشین شکوهمند و رهایی‌بخش پدرش نیست (به نقل از: مارتین کانوی، آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم فرهنگی، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۸۵).

مدارس مستعمرات در عین حال فقط برای عده معدودی ساخته شده است. باسواد کردن به معنای اروپایی آن به‌طور کلی افزایشی نیافته است و شیوه‌های پیشین آموزش و پرورش نیز به لحاظ پیوند نزدیک خود با فرهنگ استعمارزده تحقیر می‌شوند. آفریقایی‌ها خیلی زود متوجه شدند قدرت از آن کیست و در وضعیت استعماری فقط آموزش نظری اروپا را خواستار شدند. اگرچه این نوع آموزش ارتباط چندانی با واقعیت زندگی آنها نداشت، این تنها راه رهایی از فقر و فقدان فرهنگی بود که وضعیت استعماری بر او تکلیف می‌کرد. ولی رفتن به مدارس نظری اروپایی نوعی دوگانگی مداوم در استعمارزده به‌وجود می‌آورد. البر می استدلال می‌کند که دو زبانی بودن موجب بروز یک جامعه فرهنگی در استعمارزده می‌شود که هیچ‌گاه به کلی ریشه‌کن نمی‌شود. دو زبان داشتن صرفاً به منزله در اختیار داشتن دو وسیله نیست، بلکه در واقع به معنای مشارکت در دو قلمرو روانی و فرهنگی است. در اینجا، دو جهانی که با دو زبان مجسم و مفهوم می‌شوند در ستیزند؛ این دو زبان، زبان استعمارگر و زبان استعمارزده می‌باشد (همان).

بالا بودن درصد ملت‌هایی که ترجیح می‌دهند پس از استقلال رسمی همچنان روابط نزدیکی با کشور استعماری سابق خود داشته باشند، گواه موفقیت آموزش استعماری در «هماندسازی» (Assimilation) تحصیل‌کردگان مستعمره در نظام فرهنگی و اقتصادی جهانی کشور استعمارگر است. موقعیت استعماری، فرهنگ ملی را تقریباً در کلیت خود متوقف می‌کند. در چارچوب سلطه استعماری، فرهنگ ملی و ابداعات و دگرگونی‌های فرهنگی نه وجود دارد و نه می‌تواند وجود داشته باشد. در زیر سلطه استعماری، فرهنگ ملی، فرهنگی مطرود است و ویران کردنش طبق نظام و نظم به‌وسیله استعمار دنبال می‌شود. در پایان یکی دو قرن استعمار، دورنمایی از فرهنگ ملی به‌وجود می‌آید که خشک و بی‌فروغ است و در آن از خلاقیت و جوشش خبری نیست (فرانتس فانون، دو زخیان روی زمین، ترجمه علی شریعتی، تهران، نیلوفر، ۱۳۶۱، ص ۲۱۸).

«از نظر علمی نیز هرچه از چارچوب معرفت‌سنجی فلسفه تحلیلی عبور نکرده باشد، به‌عنوان مقاله غیرعلمی حذف، رد و سانسور می‌شود و چون امروز در عالم علم و دانشوری، مجلات انگلیسی‌زبان، خصوصاً نوع تخصصی آمریکایی آن (ISI) آوازه‌ای دارند، غیرانگلیسی‌زبانان، غیرعلمی یا عقب‌مانده ترسیم می‌شوند و کسب درجه علمی را به دانستن زبان انگلیسی و نگارش آکادمیک آن مشروط دانسته‌اند. از همین جاست که زبان‌های جهان و جهان‌بینی‌های مربوط به آن، غیرعلمی و غیرمعتبر دانسته می‌شود و زبان علم را زبان انگلیسی محسوب می‌کنند که در همین مرتبه، دانش‌های بشری غیرانگلیسی، از رده خارج می‌شوند و کسانی که زبان مادرزادی آنان انگلیسی باشد، حداقل ۵۰ درصد علمیت را طی می‌کنند و کسانی که زبان انگلیسی نمی‌دانند نیز باید ۵۰ درصد فوق را احراز کنند، تا بتوانند علمیت خود را اثبات کنند»^۱ (همان).

ج) پیامدهای فرهنگی سیاست زبانی مصرف و توریسم (که با زبان شنیداری - گفتاری قرابت‌هایی دارد)

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد آموزش زبان و به‌طور خاص مکالمه، جامع دو رویکرد در حوزه مبادلات فرهنگی است، یعنی هم به‌واسطه ترویج ارزش‌ها و هنجارهای غربی، الگوهای رفتاری غربی را (خودآگاهانه) ترویج می‌کند و هم به‌واسطه ترویج الگوهای رفتاری و کنش‌های غربی، پذیرش ناخودآگاه ارزش‌های غربی را به دنبال می‌آورد. با این حال، غلبه با رویکرد دوم است. به‌عبارت دیگر، آموزش مکالمه زبان عمدتاً از طریق گسترش سبک زندگی^۲ غربی و توصیف دل‌انگیز زندگی روزمره غربی است که تدریجاً ارزش‌ها و نگرش فرد را دگرگون می‌سازد.^۳

۱. با توجه به اهمیت این مسئله دارا بودن یک سیاست زبانی روشن در این حوزه می‌تواند در صورت‌بندی‌های جدید معرفتی در ایران که خود را در قالب «نقشه جامع علمی کشور»، «جنبش نرم‌افزاری تولید علم»، «علوم انسانی اسلامی» و... نشان می‌دهد، متجلی سازد.

2. Life style

۲. اگر در جامعه سنتی زندگی و رفتار روزمره افراد بر طبق مجموعه‌ای آمیخته از سنت و عرف بود که سال‌ها در جامعه حیات و استمرار داشت و تغییرات در آن به ندرت و در بلندمدت رخ می‌نمود، زندگی در جامعه مدرن اشکال و مدل‌های مختلف و متکثری را شامل می‌شود که به تبع روند سریع تغییر و تحولات جامعه مدرن، آنها هم تطور می‌یابند. پیروی از این اشکال البته بنیاداً با پیروی از سنت و عرف در زندگی سنتی متفاوت است. این پیروی را ذیل مفهوم سبک زندگی باید شناخت. سبک زندگی عبارت است از مجموعه‌ای صورت‌هایی بیانی نو و بدیع که به‌صورت نمونه‌های خاص (زبان، مد، حرکات بدنی، موسیقی و...) تجلی می‌یابند (شفروز، ۱۳۸۶: ۱۹۸) برخی نیز سبک زندگی را مجموعه‌ای کمابیش جامع از عملکردها تعریف می‌کنند که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چرا که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازند، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران تجسم می‌بخشد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰). از آنجا که این مفهوم ملازم نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است و این تکتز امری است که تنها در دنیای مدرن امکان تحقق یافته است، در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد. به باور جامعه‌شناسان، سبک‌های زندگی به‌صورت عملکردهای روزمره درمی‌آیند؛ عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند (همان).



ارتباط وثیق سبک زندگی با بحث جنگ نرم آنجاست که تأثیرات اصلی و زیربنایی این جنگ، در ساحت فرهنگ در این مقوله ظهور و بروز می‌یابد و این ظهور امری است که جلوگیری از آن تقریباً غیرممکن است. یکی از ابعاد جهانی‌سازی، فرهنگ واحد جهانی است. به دیگر سخن دنیای غرب، به‌عنوان مدیر اصلی پروژه جهانی‌سازی با بهره‌گیری از ابزارها و صنایع و رسانه‌های مختلف (اعم از سینما، رادیو و تلویزیون، کتاب، ماهواره، اینترنت و...) فرهنگ و سبک زندگی خود را به‌صورت غیرمستقیم در بین همه ملل جهان اشاعه می‌دهد. این اشاعه سه مرحله کلی را شامل می‌شود:

۱. یگانه، منحصر به فرد، جذاب و در عین حال گریزناپذیر نشان دادن فرهنگ و زندگی مدرن و غربی و تمرکز بر تبلیغ عناصر قوت و جذابیت‌ها و امکانات پنهان و آشکار آن با هدف مرعوب ساختن مخاطبان (خصوصاً نسل جوان) در جامعه مورد هدف.

۲. تضعیف و ناکارآمدنمایي فرهنگ‌های خاص و بومی دیگر از طریق تحقیر زندگی سنتی و تخریب نمادها و اسطوره‌های آن با دستاویزهایی چون گذشته‌گرا، غیرمدرن، مرتجع و ناکارآمد نمایاندن فرهنگ سنتی.

۳. دعوت به جایگزین ساختن سبک‌ها و شیوه‌های زندگی مدرن به جای اشکال فرهنگ سنتی.^۱ یکی از سرنخ‌های اصلی این فرآیند، اشاعه و گسترش نفوذ زبان انگلیسی است که با توان استفاده از فناوری‌های جدید (مانند تلفن همراه، رایانه، دوربین‌های عکاسی و فیلمبرداری و...) پاداش می‌گیرد و ادامه طبیعی آن تغییر در سبک زندگی و شیوه‌های رفتار و منش مخاطبان و مقصد نهایی آن، تغییر در باورها و ارزش‌ها و نظام اعتقادی و نظری افراد است و این فرآیندی است که امروز در همه جوامع غیرغربی از جمله در کشورمان شاهدش هستیم. تغییری که بطئی و در بسیاری موارد به شکل نامحسوس در حال رخ دادن است و حتی افراد متدین و انقلابی هم از آن مبرا نمانده‌اند. این را می‌توان در پایین آمدن حساسیت‌ها نسبت به اباحه‌گری‌ها و یا مقولاتی چون بدحجابی، ارتباطات کلامی با جنس مخالف، استماع موسیقی و موارد مشابه دیگر به نسبت گذشته دید و طبیعی است که در آینده این روند شتاب بیشتری خواهد داشت. نه فقط جامعه ما، بلکه همه دیگر جوامعی که فرهنگ و تمدن و میراث تاریخی غیر از فرهنگ و تمدن غربی دارند، و اینک مصرف‌کنندگان محصولات و کالاهای فرهنگی غرب (از فیلم و انیمیشن و رمان تا موسیقی و تئاتر و...) هستند چنین تجربه‌ای را از سر می‌گذرانند.^۲

۱. بسیاری از متون از سه مرحله الغای فرهنگ خودی، القای فرهنگ بیگانه و تثبیت فرهنگ بیگانه، به‌عنوان «مراحل تهاجم فرهنگی» یاد کرده‌اند، به‌عنوان نمونه نگاه کنید به :

- محمدحسین علی‌محمدی، تحلیلی مقدماتی بر تهاجم فرهنگی، مجموعه مقالات راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، ۱۳۷۳، صص ۱۱۹-۱۲۳-۱۲۹.

۲. نگاه کنید به: جنگ نرم و وضعیت کنونی ما، ویراست دوم، تهران، مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی (صدرا)، اسفند ۱۳۸۸، صص ۶۱-۶۴.

مواجهه با زبان بیگانه از منظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری نیز در بحثی پیرامون ضرورت تشکیل اتاق فکر در آموزش و پرورش به آموزش زبان انگلیسی اشاره کرده و می‌فرمایند: تصمیم‌ها در آموزش و پرورش نباید سلیقه‌ای گرفته شود. یک وقت بخشی از آموزش و پرورش مثلاً احساس می‌کند که باید به جوانان آموزش‌های جنسی داد - تقلید کورکورانه از غرب - ناگهان می‌بینیم از یک گوشه، نوشته و کتاب و جزوه در این زمینه منتشر می‌شود! روی این مسئله، کجا فکر شده؟ کجا تصمیم‌گیری شده؟ کجا سنجیده شده؟ چقدر ما باید دنباله‌رو غرب باشیم؟! چقدر باید تجربه‌های شکست‌خورده و ناکام غربی‌ها را چشم‌پسته دنبال و تقلید کنیم؟! {...} یا ناگهان از گوشه‌ای یک نفر تشخیص داده که باید ما به کودکان دبستانی، از کلاس اول - یا حتی پیش‌دبستانی - زبان انگلیسی یاد بدهیم؛ چرا؟ وقتی بزرگ شدند، هر کس نیاز دارد، می‌رود زبان انگلیسی را یاد می‌گیرد. چقدر دولت انگلیس و دولت آمریکا باید پول خرج کنند تا بتوانند این‌طور آسان زبان خودشان را در میان یک ملت بیگانه ترویج کنند؟ ما برای ترویج زبان فارسی چقدر در دنیا مشکل داریم؟ خانه فرهنگ ما را می‌بندند، عنصر فرهنگی ما را ترور می‌کنند، ده جور مانع در مقابل رایزنی‌های فرهنگی ما درست می‌کنند؛ چرا؟ چون در آنجا زبان فارسی یاد می‌دهیم. ولی ما بیاییم به دست خود، مفت و مجانی، به نفع صاحبان این زبان - که مایه انتقال فرهنگ آنهاست - این کار را انجام دهیم! البته بنده با فراگرفتن زبان خارجی ۱۰۰ درصد موافقم؛ نه یک زبان، بلکه ده زبان یاد بگیرند؛ چه اشکالی دارد؟ منتها این کار جزء فرهنگ جامعه نشود.^۱

امروز کشورهای هستند که متأسفانه زبان ملی خودشان، زبان رسمی‌شان نیست. امروز زبان رسمی هند و پاکستان، زبان انگلیسی است؛ زبان دیوانی‌شان، زبان انگلیسی است؛ در حالی‌که زبان هندی و زبان اردو و چند صد زبان دیگر هم دارند. در پاکستان، زبان اردو و در هندوستان، زبان هندی، زبان رایج است؛ اما آنها به کلی مغفول‌عنه است. چگونه زبان خارجی آمد جای زبان ملی یک ملت را گرفت؟ همین‌طوری وارد می‌شوند. انگلیسی‌ها در هند سرمایه‌گذاری کردند تا توانستند وضعیت را به اینجا برسانند. بعضی از کشورهای آفریقایی، زبانشان پرتغالی یا اسپانیولی است؛ به زبان رسمی خودشان اصلاً توجه نمی‌کنند؛ این خوب است؟ تسلط زبان بیگانه بر یک ملت، خوب است؟ زبان، استخوان فقرات یک ملت است؛ این را ما این‌طور تضعیف کنیم؟ چرا؟ چون آقای سلیقه‌اش این است و این‌طور فهمیده! مدرسه و بچه‌های مردم که محل آزمون و خطا نیستند؛ آزمایشگاه نیستند که ما این مسئله را تجربه کنیم، بعد ببینیم تجربه غلط از آب درآمد. با بچه‌های مردم که نمی‌شود این‌طوری رفتار

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرهنگیان و معلمان استان کرمان، ۱۳۸۴/۸/۱۲.



کرد. بنابراین اتاق فکر - یعنی یک مرکز اندیشمند و آگاه - لازم است.^۱

من خیال می‌کنم الان کسانی که در مجموعه نظام هستند، قدر زبان فارسی را بیشتر می‌دانند؛ علتش هم این است که امروز ایران معتقد است برای دنیا پیامی دارد و آن اسلام انقلابی ماست. امروز اعتقادمان این است که برای دنیا پیامی داریم. این پیام، یک حامل و رسانه درستی می‌خواهد و آن جز زبان، چیز دیگری نیست. چون به این پیام فکر می‌کنیم، این زبان باید بتواند واژه‌ها و اصطلاحات مخصوص ما را منعکس کند؛ اصطلاحاتی که مقصود انقلاب را برآورده می‌کند و تفکرات نظام را منعکس می‌نماید.^۲ پس، امروز ما به یک زبان قوی و جاافتاده و پُرطرفیت احتیاج داریم و آن زبان فارسی است، که بحمدالله در دسترس ما هم هست.^۳

همچنین، ایشان با تأکید بر اینکه ترجمه‌گرایی زبان‌های بسیار بزرگی برای ما دارد، افزوده‌اند: من چندبار تا حالا در جمع جوان‌ها و نخبه‌ها این را گفته‌ام. همت نباید این باشد که ما فلان فناوری را که دیگران ساخته‌اند و ما همیشه از آنها می‌خریدیم و وارد می‌کردیم، حالا فرض کنید می‌توانیم خودمان اینجا بسازیم. اینکه چیزی نیست. البته چیزی هست، کم اهمیت نیست؛ اما آن چیزی نیست که ما دنبالش هستیم. شما هدف را این قرار بدهید که ملت و کشور شما در یک دوره‌ای، بتواند مرجع علمی و فناوری در همه دنیا باشد. یک وقتی من در جمع جوان‌های نخبه گفتم: شما کاری کنید که در یک دوره‌ای - حالا این دوره ممکن است پنجاه سال دیگر یا چهل سال دیگر باشد - هر دانشمندی اگر بخواهد به آخرین فرآورده‌های علمی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را که شما اثرتان را به زبان فارسی نوشته‌اید، یاد بگیرد؛ همچنانی که امروز شما برای دستیابی به فلان علم، مجبورید فلان زبان را یاد بگیرید تا بتوانید کتاب مرجع را پیدا کنید و بخوانید. شما کاری کنید که در آینده، کشور شما یک چنین وضعی پیدا کند و می‌توانید. یک روز این جور بوده است؛

۱. همان.

۲. این موضوع خارج از چارچوب این گزارش است؛ ولی برای مطالعه بیشتر در این رابطه می‌توانید نگاه کنید به:

- وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۴: آسیب‌شناسی دستگاه‌های متولی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور، شماره مسلسل ۱۰۹۸۳ (قابل دسترسی در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس: <http://rc.majlis.ir/fa/report>).

- روابط فرهنگی ایران - پاکستان: فرصت‌های رو به زوال، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۲۲۱۰.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی ویرایش زبان فارسی در صدا و سیما، ۱۳۷۰/۹/۱۸.

۴. نکته مهم در این رابطه، تفاوت «سیاست آموزش زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران» با «سیاست آموزش زبان انگلیسی در ایران» است. سیاست آموزش زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران مبتنی بر آموزش متون فاخر ادبیات فارسی از جمله آثار حکمای بزرگی نظیر فردوسی، سعدی، حافظ و... و در نتیجه زبان حکمت و معرفت و دعوت به تفکر و گفتگو است. در حالی که سیاست آموزش زبان انگلیسی در ایران، آموزش زبان مکالمه و در نتیجه زبان سبک زندگی غربی و دعوت به تقلید نیاندیشیده و پذیرش برتری غرب است. البته واضح است که قدرت تکنولوژیک و توسعه مادی غربی است که آموزش سبک زندگی غربی را بدون کمترین مقاومتی تحمیل می‌کند و چنین تحمیل‌گری - ضمن غیراخلاقی بودن آن - ازسوی کشورهای صاحب پیشینه کهن، ولی فاقد قدرت مادی، غیرممکن است.

کتاب‌های دانشمندان ایرانی را به زبان‌های خودشان ترجمه می‌کردند، یا آن زبان را فرا می‌گرفتند برای اینکه بتوانند بفهمند. این هم بد نیست شما بدانید که کتاب «قانون» ابن‌سینا که در پزشکی است، همین ده پانزده سال پیش - زمان ریاست‌جمهوری من - به فارسی ترجمه شد! بنده دنبال کردم؛ افرادی را مأمور کردم، بعد هم شنیدم یک مترجم خوش‌قلم بسیار خوش‌ذوق کرد، این را به فارسی ترجمه کرده که امروز ترجمه فارسی‌اش هست. تا آنوقت، قانون به زبان عربی نوشته شده بود - ابن‌سینا کتاب را به زبان عربی نوشته است - و به فارسی ترجمه نشده بود؛ در حالی‌که چند صد سال قبل به زبان فرانسه ترجمه شده! یعنی آنها که این کتاب را لازم داشتند، برده بودند و ترجمه کرده بودند. ببینید، مرجعیت علمی این است؛ مجبورند کتاب شما را ترجمه کنند یا زبان شما را یاد بگیرند. هدفان را این قرار بدهید. همتان را این قرار بدهید. همتان را پیشرفت در زمینه دانش و شکستن مرزهای علم قرار بدهید.^۱

جدول ۵. مواجهه با زبان بیگانه از منظر مقام معظم رهبری

فرهنگ عمومی	فرهنگ دانشگاهی	سطح فرهنگی / نوع مواجهه
تأکید بر زبان‌های ترجمه‌گرایی در علم‌آموزی	تبدیل زبان فارسی به زبان علم	سلبی
آموختن زبان‌های بیگانه به صورت آگاهانه و هدفمند	تبدیل زبان فارسی به زبان علم	ایجابی

نکته بعد راجع به چگونگی تحقق زبان فارسی به‌عنوان زبان علم است. این مهم تنها وقتی محقق خواهد شد که انگیزه کافی برای انتشار تولیدات ناب علمی کشور در مجلات فارسی‌زبان وجود داشته باشد. در حال حاضر اکثر مجلات فارسی در علوم مختلف، مجلات ضعیفی هستند و علت ضعف آنها، ضعف در داوری است. در صورتی‌که با اصلاح نظام ارزشیابی علمی که به داوری مقالات فارسی بها داده شود و مقالات فارسی در نظام رتبه‌بندی کشور شأن پیدا کند، کمک شایانی به بهبود کیفیت و کمیّت مقالات فارسی خواهد بود و این اولین قدم در راه تحقق مرجعیت زبان فارسی است.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۶/۱۲.

۲. همچنین برای دیدن همین مضمون با تعابیر دیگر، نگاه کنید به:

- دیدار اعضای مجمع عمومی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۸۴/۱/۲۵.

- بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور، ۱۳۸۴/۷/۳.

- بیانات در دیدار نخبگان و فرهیختگان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۷.

۳. برگرفته از متن صحبت‌های سیدعلی روحانی، نخبه علمی کشور، کارشناس مهندسی برق دانشگاه شریف، دانشجوی ارشد اقتصاد دانشگاه شریف و رتبه اول المپیاد علوم اقتصادی سال ۱۳۸۸ است که مورد تقدیر رهبر انقلاب قرار گرفت. این سخنان با عنوان «زبان فارسی، زبان علم» مورخ ۱۳۸۹/۶/۲ در بخش دیگران سایت رهبر معظم انقلاب اسلامی به آدرس ذیل به انتشار رسیده است:

<http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=۹۹۰>



وضعیت کنونی آموزش زبان در کشور

به طور کلی آموزش زبان در کشور به دو صورت انجام می‌شود که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت:

۱. آموزش رسمی (مدارس و دانشگاه‌ها)

«تسهیل و ارتقای تحصیلات دانشگاهی، مطالعه و تحقیق، یافتن شغل مناسب و به طور کلی زندگی بهتر در قرن حاضر» را می‌توان از اهداف کلی آموزش رسمی زبان انگلیسی در ایران نام برد (صفرنواده، ۱۳۸۸: ۱۵۹). این امر در بخش «سخنی کوتاه با دانش‌آموزان» کتاب زبان انگلیسی اول راهنمایی (۱۳۸۲) تصریح شده است: «اهمیت یادگیری زبان انگلیسی بر هیچ کس پوشیده نیست. دانش‌آموزانی که می‌خواهند به دانشگاه بروند و تحصیلات خود را تا آخرین مرحله ادامه دهند یا در جامعه شغل مناسبی بیابند یا با مطالعه بیشتر، درباره مطلبی تحقیق کنند و آنها که می‌خواهند از رایانه و اینترنت استفاده کنند، چاره‌ای جز آن ندارند که زبان انگلیسی را در سطح بالا فراگیرند. کوتاه سخن آنکه در قرن بیست و یکم، همه به دانستن این زبان نیاز دارند».

با این دید، آموزش زبان در نظام رسمی آموزشی کشور از پایه اول راهنمایی شروع می‌شود و تا پایان دوره متوسطه ادامه دارد. همچنین دانشجویان در دانشگاه، دو واحد زبان عمومی و ۴ واحد زبان تخصصی می‌گذرانند. آموزش زبان در پایه اول راهنمایی به عنوان آموزش پایه، یک جلسه در هفته، به مدت یک ساعت و نیم و در سایر سال‌های تحصیلی تا پایان دوره متوسطه، دو جلسه یک ساعت و نیم در هفته است.^۱ براساس آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش، بیشترین افت تحصیلی دانش‌آموزان در مقطع راهنمایی و متوسطه بعد از درس ریاضی به زبان انگلیسی برمی‌گردد که در بسیاری از موارد حتی به تکرار پایه دانش‌آموزان منجر می‌شود. هم اکنون آموزش و پرورش به آموزشگاه‌های زبان این اجازه قانونی را می‌دهد که با مدارس قرارداد امضا کنند و در ساعت‌های خالی با استفاده از معلمان خود، برای دانش‌آموزان کلاس‌های زبان برگزار نمایند.^۲

عبارات فوق دربردارنده نکات ذیل است:

- وضعیت آموزش زبان رسمی، چندان مطلوب نیست و افت تحصیلی و کسب نمرات پایین در درس زبان، مهمترین نشانه این مطلب است.
- وضعیت آموزش زبان رسمی، ایستا و غیرپویا بوده و پاسخگوی نیاز دانش‌آموزان نیست. بنابراین

۱. لازم به ذکر است با تصویب تقسیم آموزش عمومی به دو مقطع ۶ ساله ابتدایی و دبیرستان، احتمالاً از سال‌های آینده آموزش زبان عمومی یک سال کاهش یافته و در ۶ ساله دبیرستان، پیگیری می‌شود.

2. <http://www.titronline.ir/vdce.f8zbjh8xw9bij.html?1372>

امکان حضور آموزشگاه‌ها در مدارس سبب کنترل و نظارت بیشتر بر محیط آموزش غیررسمی زبان و همچنین جذب بخشی از هزینه‌های خانوار برای آموزش زبان، توسط مدرسه (آموزش رسمی) است.

بنابراین یکی از اهداف حمایت متولیان آموزش رسمی (آموزش و پرورش و وزارت علوم) از حضور آموزشگاه‌های زبان در محیط مدارس و دانشگاه‌ها را می‌توان کمک‌گرفتن از این مراکز جهت تقویت زبان دانش‌آموزان و دانشجویان و در نتیجه صرفه‌جویی در هزینه‌ها در بلندمدت دانست. شرکت در کلاس آموزشی آموزشگاه‌ها، می‌تواند موجب بهبود وضعیت آموزشی دانش‌آموزان و دانشجویان شده و بخشی از بار تدریس را از دوش معلمان و اساتید بردارد. همچنین تعداد محصلین مردودی را کاهش داده و هزینه آموزش دوباره آنان را از بین می‌برد.

به لحاظ محتوایی نیز، کتب آموزش زبان آموزش و پرورش، دارای اشکالات اساسی نمی‌باشد؛ اگر چه انتخاب دروسی پیرامون ابزارها و فناوری (مانند درس ۶ زبان انگلیسی سال سوم دبیرستان که به موضوع کامپیوتر به‌عنوان یکی از مهمترین اختراع قرن بیستم می‌پردازد)، مخترعان و مکتشفان غربی (مانند درس ۶ زبان انگلیسی سال اول دبیرستان که به زندگی جیمز وات^۱، مخترع ماشین بخار به‌عنوان نماد انقلاب صنعتی در انگلستان می‌پردازد)، نهادهای اجتماعی (مانند درس یک زبان انگلیسی سال اول دبیرستان که به مبحث تأسیس اولین کودکان به‌عنوان یک نهاد اجتماعی تسهیل‌گر کار زنان، بیرون از خانه توسط فردریک فربل^۲ می‌پردازد) و... را می‌توان با نگاهی بدبینانه حامل اصالت‌بخشی به توسعه مادی و ساختارهای اجتماعی تمدن غرب دانست.

همچنین نارضایتی از آموزش زبان رسمی در کشور، سبب انجام پژوهش‌ها و مباحثات بسیاری پیرامون «سن زبان‌آموزی»^۳، «مطالعه تطبیقی مهارت زبان‌آموزی»^۴، «شیوه‌های مختلف زبان‌آموزی»^۵، «رابطه زبان انگلیسی و پیشرفت در مهارت‌های فناوری و تحصیلی»^۶ و... شده است.

1. James Watt
2. Friedrich Froebel

۳. نگاه کنید به:

- محمدجواد لیاقت‌دار و علی بیرمی‌پور و فریبا محسنی‌مقدم، بررسی زمینه‌های فرهنگی و روانی جامعه و نیز ظرفیت فراگیران برای تحقق آموزش زبان انگلیسی در دوره ابتدایی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال هشتم، ش ۳۱، پاییز ۱۳۸۸.

۴. نگاه کنید به:

- خدیجه صفرنواده و مجید علی‌عسگری، مطالعه تطبیقی برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی در ایران و ژاپن با تأکید بر مهارت‌های زبان‌آموزی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال سوم، ش ۱۲، بهار ۱۳۸۸.

۵. نگاه کنید به:

- ناهید شریفی آشتیانی، تأثیر آزمون‌سازی مشارکتی بر یادگیری دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی و برداشت آنها از این نوع آزمون، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال نهم، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۹.

۶. نگاه کنید به:

- مهرک رحیمی و سمانه یداللهی، رابطه اضطراب رایانه دانش‌آموزان دوره متوسطه با رشته تحصیلی، جنسیت و پیشرفت درس زبان انگلیسی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال دهم، ش ۳۹، پاییز ۱۳۹۰.



در راستای بهبود کیفیت زبان‌آموزی در دوره متوسطه، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، در سال ۱۳۸۴، کمیته‌ای تشکیل داد که در آن گروهی از کارشناسان گروه زبان‌های خارجی دفتر تألیف و تعدادی از استادان متخصص آموزش زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسه شرکت داشتند. به این کمیته مأموریت داده شد تا با برگزاری جلسه‌های منظم، «راهنمای برنامه درسی زبان‌های خارجی»^۱ را تهیه کند. این کمیته پس از یک سال‌ونیم، راهنمای برنامه را تهیه و تدوین کرد که این راهنما در اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹ در نشست یک روزه، با حضور مدیران و کارشناسان گروه‌های درسی به نقد گذاشته شد (عنانی سراب، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

مباحث فوق تداوم یافت تا اینکه در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱۴، حمیدرضا حاجی‌بابایی وزیر آموزش و پرورش خبر از ورود زبان انگلیسی به دوره ابتدایی^۲ داد که این مطلب پس از مواجهه با واکنش منفی از سوی رسانه‌ها و اهالی فرهنگ، از جمله شورای فرهنگ عمومی کشور رها شد.

در آموزش رسمی دانشگاهی نیز، انتشارات «سمت» از جمله مؤسسات وابسته به وزارت علوم است که طبق آنچه در سایت خود با نام لیست کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی قرار داده، حدود ۲۷ عنوان کتاب را در این زمینه منتشر کرده است.^۳ نکته آنکه علیرغم سهم عمده‌ای که انتشارات سمت در تدوین کتب دانشگاهی دارد، تیراژ کتاب‌ها نشان از عدم استقبال محیط‌های دانشگاهی از این محصولات دارد.

البته دانستن این نکته خالی از فایده نیست که قضاوت درباره کیفیت آموزش زبان در ایران امری کاملاً سلیقه‌ای و برخاسته از مشاهدات فردی و غیرروشنمند است. برای مثال به این دو اظهار نظر توجه نمایید:

«پروژه زبان‌آموزی در ایران با حدود ۳۰ هزار معلم در سطوح متفاوت آموزشی و هفته‌ای ۱۴ ساعت در دوره‌های راهنمایی، متوسطه و پیش‌دانشگاهی، برای دولت مبلغی بالغ بر ۱۴ میلیارد تومان در سال هزینه دارد و با این حال، به نتایج مطلوب نرسیده است. وضعیت زبان‌آموزی در کشورهایی که من دیده‌ام، به مراتب بهتر از ایران است»^۴

۱. نگاه کنید به:

- محمدرضا عنانی سراب، راهنمای برنامه درسی زبان‌های خارجی دوره متوسطه: فرصت‌ها و چالش‌های تولید و اجرای برنامه، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال نهم، ش ۳۵، پاییز ۱۳۸۹.

۲. ورود زبان انگلیسی به دوره ابتدایی در حال بررسی است، به نقل از خبرگزاری فارس به آدرس:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=۸۹۰۱۱۴۰۰۹۸>

۳. برای آگاهی از عناوین کتاب‌های زبان انگلیسی مراجعه کنید به سایت انتشارات سمت به آدرس:

<http://www.samt.ac.ir/asp09/booksubject.asp?select=23>

۴. اظهارات مرحوم علاقمندان، معاون وزیر وقت آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در گردهمایی سه روزه برای بررسی مسائل آموزش زبان‌های خارجی در آموزش و پرورش ایران، سال ۱۳۷۹ (صفرنواده، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

«تا به حال کسی را ندیده‌ام که بگوید روش آموزش زبان در کشور ما موفق بوده است! در انگلیس دانش‌آموزان مجبورند یکی از زبان‌های فرانسوی یا اسپانیولی را در مدرسه یاد بگیرند. اما دقیقاً به همان اندازه که ایرانی‌ها در مدرسه انگلیسی‌دان می‌شوند، انگلیسی‌ها هم فرانسوی و اسپانیولی یاد می‌گیرند. نه یک زره کم نه یک زره بیش!»^۱

برخی از کارشناسان تعلیم و تربیت با استناد به گسترش کاربرد و اهمیت زبان انگلیسی از یکسو و کاهش سن زبان‌آموزی در بسیاری از کشورها از سوی دیگر، کاهش سن زبان‌آموزی را برای ارتقای فراگیری زبان انگلیسی در ایران توصیه می‌نمایند. به گفته این کارشناسان، یادگیری زبان خارجی در دوران کودکی به دلیل ظرفیت انعطاف‌پذیری مغز، قبل از کامل شدن جریان یکسوگی،^۲ مؤثرتر و پایدارتر است. آنان معتقدند مغز انسان در کودکی و قبل از بلوغ، سریع‌تر رشد می‌کند و ظرفیت فرد نوجوان در آموختن زبان جدید به مراتب بیشتر از فرد بالغ است. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد، مغز بچه‌های ۴ ساله، دو برابر مغز بزرگسالان فعالیت دارد و بالا بودن سطح فعالیت مغزی، یادگیری زبان را تسهیل می‌کنند (لیاقت‌دار و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

براساس برخی گزارش‌ها، فراگیری که ۴ یا ۵ سال زبان خارجی خوانده باشند، در آزمون‌های استاندارد درس ریاضیات، بهتر از بقیه عمل می‌کنند. همچنین اگر آموزش زبان دوم، از دوره ابتدایی آغاز نشود، تلفظ فراگیران، هرگز مانند تلفظ بومی آن زبان نخواهد شد. اگر آموزش زبان خارجی از سنین پایین آغاز شود، توانایی شناختی افراد افزایش می‌یابد و این افراد در فعالیت‌های کلاسی، فراتر از انتظار ظاهر خواهند شد (همان: ۱۰۴).

به گفته موافقان کاهش سن زبان‌آموزی، پژوهش‌های فراوان نشان داده‌اند آموزش زبان در سنین پایین نه تنها اضطراب و تشویش به همراه ندارد، بلکه این آموزش‌ها در عملکرد موفقیت‌آمیز زبان‌آموزان در تحصیلات عالی نیز مؤثر خواهد بود. به علاوه، آغاز آموزش زبان انگلیسی ضمن اینکه مهارت‌های شناختی را در کودکان تقویت می‌کند، در صورت مناسب بودن محتوای آموزشی، مهارت‌های مثبت اجتماعی را نیز افزایش خواهد داد (همان: ۱۰۵).

البته این کارشناسان خاطر نشان کرده‌اند که دلایلی از قبیل جلوگیری از تداخل زبان دوم با زبان مادری، کامل شدن الفبای زبان مادری در سال اول و نهادینه شدن آن در سال دوم، آمادگی ذهنی کودک برای تقلید و تشخیص آواها، رشد عاطفی نسبی کودک و انطباق با محیط مدرسه، موجب می‌شود تا پایه سوم ابتدایی (۹ تا ۱۰ سالگی) زمان مناسب آغاز آموزش زبان باشد (همان: ۱۱۶).

۱. نگاه کنید به: نعمت‌الله فاضلی، سفرنامه ایتالیا، قسمت اول، به نقل از: www.farhangshenasi.ir



نکته قابل توجه درباره سن زبان‌آموزی این است که استدلال مخالفان و موافقان شباهت بسیاری دارد. به عبارت دیگر، مخالفان کاهش سن زبان‌آموزی مدعی هستند: چرا باید بهترین فرصت آموزشی فرد در اختیار آموزش زبان بیگانه قرار گیرد؟ اهمیت این سؤال هنگامی مشخص می‌شود که بدانیم از منظر مخالفان، زبان نه یک وسیله کارآمد، بلکه خانه وجود انسان است. از این منظر، آموزش زبان بیگانه از سال‌های ابتدای زندگی، مساوی آموزش یک زیست‌جهان جدید به زبان‌آموز می‌باشد که وی را میان دو نوع از فرآیند جامعه‌پذیری، سرگردان می‌سازد. بنابراین از این منظر، آموزش زبان یا باید از سنین رسیدن فرد به قدرت تشخیص آغاز شود و یا متون آموزشی، مورد بازبینی قرار گرفته و پس از همخوان نمودن محتوای زبان جدید با فرهنگ جامعه (چنانچه ممکن شود) آغاز گردد.

نکته فوق را می‌توان به صورت دیگری نیز تبیین کرد. بسیاری از دانش‌آموزان در مواجهه با درس زبان، دچار اضطراب و دلهره می‌شوند و می‌گویند نامفید است، علاقه ندارم؛ یاد نمی‌گیرم و این امر درباره مراجعه دانش‌آموزان به آموزشگاه‌های آزاد زبان جدی‌تر است. علت این امر تفاوت‌های فرهنگی است که دانش‌آموزان میان زندگی روزمره و کلاس ادراک می‌کنند.^۱ به عبارت دیگر، دانش‌آموزان و به‌طور کلی افراد دو نوع مواجهه در نسبت با زبان انگلیسی از خود نشان می‌دهند:

- فعال: در این حالت، در فرد به دلیل شرایط سنی و خانوادگی، قابلیت تشخیص و در نتیجه مقاومت مثبت در برابر تفاوت فرهنگی وجود دارد.

- منفعل: در این حالت، در فرد به دلیل شرایط سنی و خانوادگی، قابلیت تشخیص و در نتیجه مقاومت مثبت در برابر تفاوت فرهنگی وجود ندارد. دو پیامد کاملاً متضاد رویکرد منفعل عبارتند از:

الف) هراس از کلاس که موجب ترک آموزش می‌شود.

ب) تسلیم به کلاس که در این حالت محتوای آموزشی، درونی و نهادینه شده و منجر به اختلال در شخصیت و غریب‌زدگی می‌شود (که حالت دوم در مواجهه زبان‌آموزان سنین پایین، جدی‌تر است).

بنابراین متونی که دانش‌آموزان با آن رابطه ذهنی برقرار می‌کنند و کمتر از آن می‌هراسند، سبب پیشرفت بیشتر ایشان می‌شود و باید محتوای آموزشی را با فضای ذهنی‌شان هماهنگ کرد. در حالی که ثبت‌نام کودکان در کلاس‌های زبان آزاد و مصرف محصولات فرهنگی غیراسلامی

۱. نگاه کنید به:

- زهرا نیک‌نام و محمود مهرمحمدی و نعمت‌الله فاضلی، آموزش علوم تجربی و فرهنگ: تبیین انسان‌شناختی یادگیری علوم تجربی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال پنجم، ش ۲۰، بهار ۱۳۹۰.

(غربی)، مسئله هراس را افزایش خواهد داد.

همچنین در سطح جامعه نیز، مواجهه در دو بعد فعال و منفعل قابل تفکیک است:

- **فعال:** که مثلاً می‌تواند موجب اصلاح محتوا می‌گردد.

- **منفعل:** که مثلاً می‌تواند موجب کاهش سن زبان‌آموزی شود.

بنابراین، در وضعیت فعلی آموزش زبان، زمان آموزش کم و ناکافی است. اما می‌توان از طریق رسانه‌های صوتی و تصویری و همچنین روش‌های جدید از جمله متدهای ارتباطی و مشارکتی، کیفیت آموزش زبان را ارتقا داد.

همچنین افزایش کیفیت آموزش رسمی و افزایش نظارت بر آموزش غیررسمی (آزاد) از طریق:

- تغییر در میزان ساعات آموزش،

- اصلاح کتاب‌ها،

- ایجاد کلاس‌های تخصصی،

- بهره‌برداری موارد فوق از محصولات ایرانی،

- فراهم نمودن امکان فعالیت مدارس در آموزش آزاد زبان، پس از ساعت مدرسه با متون

متناسب با فرهنگ ایرانی و... نیز می‌تواند صورت گیرد.

۲. آموزش آزاد (آموزشگاهی)

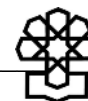
برای بررسی وضعیت کنونی آموزش زبان آموزشگاهی در کشور، نیازمند شناسایی دو مقوله هستیم:

الف) محتوای آموزشی؛ که عمدتاً از طریق مطالعه سری کتب آموزشی زبان قابل تحقق است.

ب) ساختار آموزشی؛ که عمدتاً نیازمند شناسایی آموزشگاه‌های زبان و سازوکار فعالیت آنهاست.

الف) محتوای آموزشی

برای بررسی محتوای آموزش زبان انگلیسی، بررسی کلیه کتاب‌های موجود در بازار کشور ضرورت دارد. از آنجا که بررسی این حجم زیاد امکانپذیر نیست، ناگزیر از نمونه‌گیری استفاده می‌کنیم. در این گزارش از میان کتاب‌های آموزشی زبان انگلیسی متنوع موجود در بازار کشور نظیر Streamline, Headway, Top Notch, New Interchange, Passages, ... کتاب New Interchange به‌عنوان یکی از متداول‌ترین متون آموزش زبان انگلیسی که کمترین میزان آسیب فرهنگی را در خود دارد، انتخاب شده است. چنانچه سبک زندگی را مشتمل بر مباحث:



خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها، پوشاک، تفریحات، ورزش، روابط با سایر انسان‌ها، مراکز مهم، افراد مهم، کشورهای دوست و دشمن، ارزش‌ها، آیین‌ها و مراسمات، رابطه با حیوانات، ازدواج و طلاق، فرهنگ بدن، مشاغل و... بدانیم، تجزیه و تحلیل کتاب نامبرده به شرح ذیل است:

جدول ۶. تجزیه و تحلیل کتاب New Interchange

ردیف	ابعاد سبک زندگی	مصادیق سبک زندگی آنگلو ساکسونی
۱	خوردن و نوشیدن	پیتزا، انبه، ماکارونی، رشته فرنگی، چیپس سیب‌زمینی، کلم بروکلی، کالباس، همبرگر، سالاد سیب‌زمینی، کیک، نوشابه، بوقلمون، پوره سیب‌زمینی، قهوه، نوشابه، سس گوجه‌فرنگی، هات داگ، استیک، پاپ کورن، دسر، چیزبرگر، کافه تریا
۲	پوشیدن	شلوار جین، کراوات (پلی استری/ ابریشمی)، تی‌شرت، دامن کوتاه، لباس کوتاه، لباس‌های بگی خیابانی، بوتیک لباس
۳	تفریحات	رقص (باله، تانگو و ...)، خرید، رفتن به سینما، موسیقی (کلاسیک، راک، جاز، پاپ، رپ)، به کنسرت رفتن، رفتن به یک گالری هنری و یا موزه، شعبده بازی، کازینو، شهر بازی، ترامپت (یک ابزار موسیقی)، چرخ زدن با ماشین، نواختن آلات موسیقی (پیانو، گیتار و ...)، ترن هوایی، پرش از ارتفاع، لذت
۴	ورزش	بازی تنیس، هاکی، اسکی روی یخ، اسکی، گلف، فوتبال، بیس‌بال، شنا، یوگا، تمرینات با وزنه، باشگاه سلامت
۵	روابط انسانی (با خانواده، دوست، همسایه، والدین، زندگی مجردی)	تماشای تلویزیون، گذراندن وقت با دوستان، صرف زمان به تنهایی، بوسه بر روی گونه، دوست دختر، دوست پسر، من باید با اولین دوست دخترم ازدواج می‌کردم، او گفت: مادر خود را به باشگاه رقص برده بوده است، دوست دختر برادر من با مرد دیگری نامزد کرده است، تنها زندگی کردن، بوسیدن در ملاء عام

ردیف	ابعاد سبک زندگی	مصادیق سبک زندگی آنکلو ساکسونی
۶	مراکزی که باید شناخته شوند	پاریس، نیویورک، ونیز، رم، سانفرانسیسکو، شیکاگو، مکزیکو سیتی، هاوانا، کوالالامپور، ایفل
۷	افرادی که باید شناخته شوند	اسامی خاص (هنرمندان و بازیگران و ورزشکاران)
۸	مارک‌های تجاری که باید شناخته شوند	کوکا کولا، سونی، لیوایز، نایک، نستله، پپسی کولا، جنرال موتور
۹	ارزش‌ها (توسعه، ثروت، لذت)	نمایش مد، بهبود سطح مادی زندگی (تغییر ظاهر، نقل مکان به محل جدید، اشتغال در یک کار متفاوت، بهبود شخصیت، بیشتر لذت بردن از زندگی، سلامت بیشتر، دوستان جدید به دست آوردن و ...)، مد‌های هیپ-هپ، افراد در ایالات متحده اغلب توسط کاتالوگ‌ها خرید می‌کنند، محصولات زیبایی، کاتالوگ موسیقی، خرید تلویزیونی، خرید کامپیوتری، کارت اعتباری، مدل مو، مراقبت از حیوان خانگی، مد زودگذر، با پپسی زنده بمانید
۱۰	آیین‌ها و مراسمات	هالووین، ولنتاین
۱۱	فرهنگ بدن	خوش تیپ، خوشگل، شما را در یک فرم ایده‌آل قرار دارید، تناسب اندام، چاق تنبل، قلمی
۱۲	مشاغل	خواننده، پیشخدمت زن، طراح مد، بازیگر مرد، بازیگر زن، مدل شدن، گاوچران

در مطالب فوق نکات بسیاری نهفته است، از جمله:

- افزایش روزافزون موارد فوق در زندگی روزمره ایرانیان طی دو دهه گذشته و عادی به نظر رسیدن بسیاری از موارد بالا برای نسل جوان که بیشترین حجم زبان‌آموزان کشور در دو دهه قبل را تشکیل می‌دهند.
- غیبت، سانسور یا تحریم بسیاری از مفاهیم ارزشی نظیر مرگ، دین، خدا، ایثار و ...
- سانسور، تحریم یا سیاه‌نمایی کشورهای مخالف نظام سلطه بین‌الملل (آمریکا) و مراکز مهم گردشگری، سیاحتی و زیارتی کشورهای نظیر ایران، سوریه، کره شمالی و ...



- برجسته کردن و ساختن تصاویر مثبت از کشورهای همسو با سیاست‌های نظام سلطه بین‌الملل (آمریکا) در تمامی نقاط جهان؛ مثلاً مصر در آفریقا، ژاپن و کره در آسیا، برزیل و آرژانتین در آمریکای لاتین، استرالیا و ...

- ترویج روابط جدید مبتنی بر لیبرالیسم میان محرم و نامحرم، فرزند و والدین و... که به گسترش روابط نامشروع و بلاموضوع شدن ارزش دوگانه ازدواج و طلاق منجر خواهد شد (خصوصاً تصاویر در این زمینه فراوان ولی قابل اصلاح است).

- کم‌رنگ بودن خانواده، ضروری نشان دادن اشتغال زنان و نفی تلویحی مردانه بودن برخی مشاغل و فعالیت‌ها و طبیعی جلوه دادن خانواده‌های تک‌سرپرست.

- کتاب بررسی شده اگر به لحاظ اخلاقی بهترین کتاب آموزش زبان انگلیسی نباشد، قطعاً یکی از بهترین‌هاست. در سایر کتب موجود در بازار طیف وسیعی از مشروبات الکلی، ترویج نگهداری حیوانات خانگی و غم خوردن برای از دست دادن آنها، زندگی مجردی و... به چشم می‌خورد.

ب) ساختار آموزشی

برای بررسی ساختار آموزش زبان انگلیسی در کشور، بررسی پیشینه موضوع و مرجع صدور مجوز آموزشگاه‌های زبان ضرورت دارد.

پیشینه موضوع

جستجو در متن و عنوان مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد این شورا تنها دو مصوبه پیرامون زبان‌های بیگانه داشته است:^۱

- اعلام موافقت با پخش برنامه آموزش زبان فرانسه از شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران.

- تهیه کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی توسط سازمان سمت.

همچنین یک مصوبه مرتبط در این مورد وجود دارد:

- سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی و مواد سمعی و بصری خارجی.

در ضمن شورای فرهنگ عمومی در این باره مصوبه‌ای نداشته است و پیش از این در سی‌وپنجمین جلسه شورای مشورتی فرهنگ عمومی مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۴ این موضوع به صورت «طرح تدوین کتب آموزش زبان انگلیسی» مطرح شده و مقرر گردید مراکز آموزش زبان و نحوه صدور مجوز برای این مراکز شناسایی شود که البته این مسئله هیچ‌گاه به نتیجه نرسید.

اهداف «طرح تدوین کتب آموزش زبان انگلیسی» عبارت بوده است از:

- تدوین و نظارت بر کتب آموزشی زبان انگلیسی در آموزشگاه‌ها،

- جلوگیری از القائات فرهنگی کتب بیگانه.

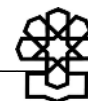
مرجع صدور مجوز آموزشگاه‌های زبان

در گذشته وجود نهادهای متعدد صادرکننده مجوز آموزشگاه‌های آزاد زبان انگلیسی موجب بروز تخلفات و مشکلات آموزشی و فرهنگی فراوانی شده بود. اما در حال حاضر وزارت آموزش و پرورش متصدی صدور مجوز و نظارت بر آموزشگاه‌های آزاد زبان است. اگرچه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق «مؤسسات فرهنگی و هنری» و وزارت علوم از طریق مراکز «جهاد دانشگاهی» و وزارت آموزش و پرورش از طریق «کانون زبان ایران» در مدیریت آموزشگاه‌های آزاد زبان نیز سهم دارند.^۱

نکته قابل توجه درباره صدور مجوز و نظارت بر آموزشگاه‌های آزاد زبان، توجه صرف نهادهای مسئول سابق (وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ) به ساماندهی‌های اولیه و شکلی و تداوم آن به نهاد مسئول فعلی (وزارت آموزش و پرورش) است که به حوزه محتوایی ورود چندانی ندارد. همچنین نظارت بر همین ساماندهی‌های اولیه و شکلی نیز از عهده واحد مربوطه در وزارت آموزش و پرورش - یعنی سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی آموزش و پرورش - به دلیل گستردگی مدارس غیردولتی، آموزشگاه‌های آزاد علمی و کنکوری و گونه‌های متعدد مشارکت‌های مردمی خارج است. از سوی دیگر، ساماندهی‌های اولیه و شکلی علاوه بر صدور مجوز و نظارت صوری به برخورد با متخلفین نیز نیازمند است که این امر در حیطه وظایف نیروی انتظامی و قوه قضائیه قرار دارد.

برتری محسوس سهم زبان‌آموزان دختر بر پسر، برتری محسوس سهم دبیران مرد بر زن، وجود مراکز غیرقانونی و بدون مجوز، کلاس‌های مختلط، معضل برخورد با مراکز غیرقانونی، رعایت نشدن شهریه‌ها، کیفیت پایین برخی مؤسسات، وجود لیست‌های انتظار طولانی برای ثبت نام در مؤسسات شناخته شده و... فضای کلی آموزشگاه‌های آزاد را ترسیم می‌کند.

۱. این دوره‌ها به لحاظ محتوایی (کتاب‌های آموزشی) تفاوت چندانی با سایر مؤسسات آزاد نداشته و گاه‌ا از جهات صوری (رعایت پوشش اساتید، فیلم‌های کمک‌آموزشی، روابط زبان‌آموزان دختر و پسر و...) برتری نسبی دارد.



جمع‌بندی و ارائه راهکارها

گفته شد که آموزش زبان انگلیسی، به‌عنوان یکی از راه‌های جهانی‌سازی ارزش‌های مدرن و سکولار، از یکسو بستری از اطلاعات و آگاهی‌ها، ارزش‌ها و هنجارها، روش‌های استدلال و اندیشه، بایدها و نبایدها، درست‌ها و غلط‌ها و... را توصیف می‌کند و ازسوی دیگر، عملیاتی شدن موارد قبل در زندگی روزمره را توصیف و تشریح می‌کند. همچنین گفتیم که در کشور ما، یکی از بسترهایی که کمترین توجه بدان شده است گسترش روز افزون مؤسسات و آموزشگاه‌های تدریس و ترویج زبان‌های خارجی خصوصاً انگلیسی است. طبیعی است که نمی‌توان منکر استفاده‌های ضروری و فراوان این زبان‌ها در امر تحصیلات و یا هر گونه ارتباط‌گیری و تعامل با کشورهای دیگر شد. اما در عین حال از این نکته نیز نباید غفلت کرد که این قبیل آموزش‌ها تنها به مسئله زبان ختم نمی‌شود و مروری گذرا بر متون و شیوه‌های تدریس و آموزش در این مؤسسات که اغلب تقلیدی و وارداتی است مؤید این واقعیت است که علاوه بر زبان و در پوشش آن، فرهنگ غربی هم در حال آموزش و تبلیغ و ترویج است. به علاوه که دقیقاً روشن نیست چه میزان از این آموزش‌ها متناسب با نیازهای واقعی کشور است. بنابراین سیاستگذاری زبانی یک سیاستگذاری بنیادی و ضروری در جهان امروز است.

مؤلفه‌های اصلی نشانگر وضعیت آموزش زبان انگلیسی در ایران امروز به شرح ذیل است:

۱. تأکید بر اهمیت آموزش زبان انگلیسی.
۲. تأکید بر ناکارآمدی نظام آموزش رسمی زبان انگلیسی.
۳. اجبار بخش اعظم زبان‌آموزان (شامل دانش‌آموزان، دانشجویان، تجار، اهالی علم و فرهنگ و...) به حضور در آموزشگاه‌های آزاد زبان و آموختن مکالمه، در حالی که این نوع آموزش عمدتاً برای مهاجران، جهانگردان و اقشاری از این دست، ضرورت دارد.
۴. گسترش آموزش زبان به‌عنوان یکی از راه‌های پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان به‌ویژه در ایام تابستان.
۵. گسترش آموزش زبان به‌عنوان یکی از راه‌های پر کردن خلأهای فرهنگی - اجتماعی افراد و کسب منزلت.
۶. عدم هماهنگی میان متولیان ساماندهی آموزشگاه‌های زبان (شامل وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، قوه قضائیه و نیروی انتظامی).

۷. بی‌توجهی به ابعاد فرهنگی - اجتماعی و محتوایی آموزش زبان انگلیسی توسط نهادهای سیاستگذار فرهنگی نظیر شورای فرهنگ عمومی و شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۸. تبدیل آموزش آزاد زبان به یک صنعت سودآور.
۹. حضور گروه‌های سودجو در آموزشگاه‌ها و بهره‌برداری از تبدیل زبان‌آموزی به ضرورت و حامل نوعی منزلت اجتماعی.
۱۰. تحمیل هزینه‌های گزاف اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به فرد، خانواده و جامعه.
- مهمترین تبعات تبدیل آموزش زبان به یک صنعت سودآور و حضور گروه‌های سودجو را می‌توان در توسعه کمی و نزول کیفی خلاصه کرد. شاخص‌های اصلی این دو وضعیت عبارتند از:
۱. افزایش بی‌رویه آموزشگاه‌ها،
 ۲. گسترش هزینه‌های تبلیغاتی،
 ۳. نارضایتی مخاطبان از کیفیت خدمات دریافتی و احساس فریب‌خوردگی،
 ۴. کم‌بازدهی و ناامیدی زبان‌آموزان،
 ۵. نامناسب بودن فضاها و امکانات کمک آموزشی،
 ۶. هزینه‌های سنگین خانواده‌ها،
 ۷. کیفیت پایین آموزشی (دبیران).

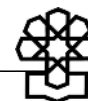
جدول ۷. فرآیند پیدایش وضعیت کنونی

پیامد	سطح ۱	سطح ۲	سطح ۳	سطح ۴
۱. تأکید بر اهمیت آموزش زبان انگلیسی	گسترش تقاضا برای حضور در آموزشگاه‌های آزاد زبان و اجبار به آموختن مکالمه	گسترش عرضه و تبدیل آموزش آزاد زبان به یک صنعت سودآور	گسترش سودجویی در صنعت آموزش زبان در اقتصادی - اجتماعی، غفلت نهادهای متولی فرهنگی و سیاسی به فرد، خانواده و جامعه	تحمیل هزینه‌های گزاف
۲. تأکید بر ناکارآمدی نظام آموزش رسمی زبان انگلیسی			ساماندهی	

راهکارهای پیشنهادی برای اصلاح وضعیت کنونی آموزش زبان انگلیسی در ایران با تأکید بر نظرات رهبری، عبارت است از:

۱. آموزش رسمی (مدارس و دانشگاه‌ها)

به‌طور کلی افزایش کیفیت و پاسخگویی به نیاز دانش‌آموزان توسط نظام آموزش رسمی، تقاضا برای آموزش آزاد، هزینه‌های خانوار و... را کاهش می‌دهد. برخی از راهکارهای این مسئله عبارتند از:



- اصلاح کتب درسی (مدارس و دانشگاه‌ها) با استفاده از نظرات کارشناسان (که عمدتاً آموزش ارتباطی (عبارت‌محور) را بر ساختاری (لغت و گرامر) و روش مشارکتی را بر تدریس یک‌سویه ترجیح می‌دهند).

- شروع آموزش زبان از پایه پنجم ابتدایی برای کاهش احتمال افت تحصیلی پس از تغییر مقطع از دوره ۶ ساله ابتدایی به دوره ۶ ساله متوسطه.

- افزایش ساعات درس زبان انگلیسی (در مدارس و دانشگاه‌ها) به دو برابر وضعیت کنونی بدون تغییر حجم مباحث کتاب درسی که فرصت زمانی لازم برای آموزش زبان و استفاده از روش مشارکتی و استفاده از محصولات کمک آموزشی را فراهم آورد.

- تهیه محصولات کمک آموزشی متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی (با کمک شبکه‌های انگلیسی‌زبان جمهوری اسلامی).

- فراهم نمودن امکان تحصیل زبان‌های بیگانه غیرانگلیسی مانند اسپانیایی، روسی، آلمانی، ایتالیایی و فرانسه جهت تأمین نیاز کشور و شکستن انحصار زبان انگلیسی.

۲. آموزش آزاد (آموزشگاهی)

به منظور افزایش کیفیت در پاسخگویی به نیاز زبان‌آموزان توسط نظام آموزش آزاد نیز دو دسته راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت وجود دارد که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم:

الف) کوتاه‌مدت

- بخش محتوایی شامل

- بررسی کتب دوره‌های آموزش زبان انگلیسی موجود در بازار و انتخاب کم‌آسیب‌ترین کتاب با توجه به ارزش‌های ایرانی - اسلامی برای گروه‌های سنی مختلف.
- اصلاح تصاویر (بدون تغییر فرمت) و محتوای کتب منتخب به صورت حداقلی (با افزایش و یا کاهش چند جمله).
- انتشار و در اختیار مؤسسات قراردادن این کتب در بازه کمتر از ۶ ماه با قیمت مناسب (پایین‌تر و یا هم سطح با کتب چاپ افستی).
- توصیه بر به‌کارگیری کتب اصلاح شده و مورد تأیید در مؤسسات آموزش زبان انگلیسی.
- انتشار و توزیع وسیع سریال‌ها، فیلم‌های سینمایی، اخبار، فیلم‌های مستند و... تهیه شده در شبکه‌های انگلیسی‌زبان جمهوری اسلامی ایران (با قیمت پایین‌تر و یا هم سطح با فیلم‌های غیرمجاز).
- چاپ جزوات و برگزاری جلساتی جهت آشنایی مسئولان دفاتر نظارت بر آموزشگاه‌های زبان‌های خارجه و به‌تبع مدیران آموزشگاه‌ها با مباحث فرهنگی زبان.

- بخش ساختاری شامل

- تفکیک دفتر نظارت بر آموزشگاه‌های زبان‌های خارجه از دفتر نظارت بر آموزشگاه‌های آزاد در وزارت آموزش و پرورش.
- تأسیس دفتر نظارت بر آموزشگاه‌های زبان‌های خارجه در وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- تأسیس دفتر نظارت بر آموزشگاه‌های زبان‌های خارجه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تأسیس دفتر نظارت بر مقالات ISI در وزارت علوم به‌منظور الزام صاحبان ایرانی مقالات لاتین به تهیه ترجمه مقالات ایرانی ISI شده و قرار دادن آنها بر روی سایت جهت استفاده رایگان دانشجویان و اساتید.

- بخش نظارتی شامل

- دریافت مجوز آموزشگاه‌های زبان زیر ۲۰ سال از وزارت آموزش و پرورش.
- دریافت مجوز آموزشگاه‌های بالای ۲۰ سال از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دریافت مجوز کلاس‌های زبان ویژه دانشجویان که در مراکز آموزش عالی و یا با همکاری آنها برگزار می‌شود از وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- دفاتر نظارت بر آموزشگاه‌های زبان موظف است بر موارد ذیل نظارت کنند:
 - وضعیت پوشش و آرایش دبیران، زبان‌آموزان و کارکنان مؤسسات زبان.
 - وضعیت تحصیلات و سطح دانش اساتید.
 - کتب و جزواتی که در اختیار زبان‌آموزان قرار می‌گیرد.
 - عدم برگزاری کلاس‌های مختلط برای مراکز تحت نظارت آموزش و پرورش و وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
 - تعیین و نظارت بر فاصله قانونی مابین آموزشگاه‌های دخترانه و پسرانه.
 - عدم برگزاری کلاس‌های بزرگسالان (تحت نظارت وزارت ارشاد) و دانش‌آموزان (تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش) در یک محل.
 - عدم انجام فعالیت‌های سیاسی در آموزشگاه‌های زبان‌های خارجی.
 - تأیید صلاحیت افراد دارای مجوز تأسیس آموزشگاه زبان و تداوم آن با گذشت زمان.

(ب) بلندمدت**- بخش محتوایی شامل**

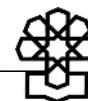
- تألیف کتابی با موضوع «آنچه که باید یک گردشگر ایرانی بداند» شامل اطلاعاتی از تاریخ، سنت‌ها، آداب و رسوم و اعتقادات کشور ایران.



- تألیف کتابی با موضوع «ضرب‌المثل‌های ایرانی و معادل آن» در زبان‌های دیگر.
- اصلاح کتب معلم (راهنمای تدریس) در جهت ارتقای دانش و بینش اساتید.
- انتشار و توزیع کتب داستانی برگرفته از داستان‌های کهن و معاصر ایرانی و اسلامی به زبان انگلیسی جهت تقویت زبان‌آموزان.
- انتشار و توزیع موسیقی‌های خواننده شده توسط مسلمانان کشورهای مختلف به زبان انگلیسی جهت تقویت زبان‌آموزان.
- انتشار و توزیع پیام‌های تاریخ‌ساز امام خمینی (ره) به زبان انگلیسی جهت تقویت زبان‌آموزان.
- تألیف کتب آموزش زبان انگلیسی متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی برای گروه‌های سنی مختلف با محوریت ترجمه و متون تخصصی (آموزشگاه‌های تحت نظارت وزارت علوم تحقیقات و فناوری)، مکالمه زبان‌های خارجی (آموزشگاه‌های تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و افزایش آگاهی و اطلاعات عمومی (آموزشگاه‌های تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش) (با قیمت پایین‌تر و یا هم سطح با کتب موجود).
- توزیع فیلم‌های زبان اصلی همراه با نقد محتوایی کارشناسان.
- حمایت از چاپ کتاب‌های دو زبانه برای رشته‌های مختلف دانشگاهی.
- برگزاری آزمون از اساتید داوطلب تدریس در آموزشگاه‌های زبان انگلیسی درباره اطلاعات تاریخی، سنت‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات مردم ایران و پیام‌های تاریخ‌ساز امام خمینی (ره) به زبان انگلیسی.
- برگزاری آزمون از داوطلبان متقاضی بورس ادامه تحصیل در خارج از کشور درباره اطلاعات تاریخی، سنت‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات مردم ایران و پیام‌های تاریخ‌ساز امام خمینی (ره) به زبان انگلیسی.
- تذکر: باید ۳ نفر از اعضای شورای فرهنگ عمومی با تخصص‌های ارتباطات، جامعه‌شناسی و علوم استراتژیک بر کتب اصلاح شده تألیفی توسط اساتید نظارت محتوایی نمایند.
- گنجاندن زبان عربی در آزمون‌های دکترا به موازات سایر زبان‌های بیگانه.
- استفاده از متون انتقادی درباره بحران‌های سرمایه‌داری برای ارتقای دانش و بینش زبان‌آموزان.
- اصلاح رویه‌های مالیاتی مؤسسات آموزش آزاد و دریافت مالیات واقعی.
- اصلاح شهریه‌های بالای مؤسسات آموزش آزاد و رسیدگی به شکایات زبان‌آموزان.

منابع و مأخذ

۱. جنگ نرم و وضعیت کنونی ما، ویراست دوم، تهران، مرکز پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی (صدرا)، اسفند ۱۳۸۸.
۲. رحیمی، مهرک و سمانه، یداللهی. رابطه اضطراب رایانه دانش‌آموزان دوره متوسطه با رشته تحصیلی، جنسیت و پیشرفت درس زبان انگلیسی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال دهم، ش ۳۹، پاییز ۱۳۹۰.
۳. زرشناس، شهریار. سرمایه‌سالاری؛ تجسم اقتصادی مدرنیته، ماهنامه فرهنگ عمومی، ش ۲، دی و بهمن‌ماه ۱۳۸۹.
۴. شریفی آشتیانی، ناهید. تأثیر آزمون‌سازی مشارکتی بر یادگیری دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی و برداشت آنها از این نوع آزمون، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال نهم، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۹.
۵. شیخ‌نوری، محمدمیر. مهندسی فرهنگی؛ راهکار مقابله با تهاجم فرهنگی، ماهنامه زمانه، ش ۵۸.
۶. صفرنواده، خدیجه و مجید، علی‌عسگری و نعمت‌الله، موسی‌پور. تحلیل و آسیب‌شناسی محتوای کتب درسی زبان انگلیسی دوره متوسطه و ارزیابی آن با معیار رویکرد آموزش ارتباطی زبان، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال پنجم، ش ۱۷، تابستان ۱۳۸۹.
۷. صفرنواده، خدیجه و مجید، علی‌عسگری. مطالعه تطبیقی برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی در ایران و ژاپن با تأکید بر مهارت‌های زبان‌آموزی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال سوم، ش ۱۲، بهار ۱۳۸۸.
۸. عنانی سراب، محمدرضا. راهنمای برنامه درسی زبان‌های خارجی دوره متوسطه: فرصت‌ها و چالش‌های تولید و اجرای برنامه، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال نهم، ش ۳۵، پاییز ۱۳۸۹.
۹. فاضلی، نعمت‌الله و مرتضی، قلیچ. فرهنگ و دولت: سیاست‌فرهنگی از دیدگاه مطالعات فرهنگی، کتاب انتشارنیافته.
۱۰. فاضلی، نعمت‌الله. مردم‌نگاری سفر: توصیف‌ها و تحلیل‌های انسان‌شناختی از فرهنگ و جامعه امروز غرب، تهران: آراسته، ۱۳۹۰.
۱۱. فاضلی، نعمت‌الله. کدام معیار؟ بررسی انسان‌شناختی در زمینه تولید علم و چالش‌های علوم‌انسانی در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۲۱.
۱۲. فیاض، ابراهیم. آموزش زبان و فرهنگ عمومی، به سفارش دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، ۱۳۸۶.
۱۳. فیاض، ابراهیم. انگلوساکسون‌ها و تسخیر جهان، پگاه حوزه، ش ۹۲، اردیبهشت ۱۳۸۲.
۱۴. فیاض، ابراهیم. سانسور جهانی، پگاه حوزه، ش ۱۲۱، اردیبهشت ۱۳۸۳.
۱۵. کرین، دایانا و نوبوکو، ناوشیما و کنجی، کاوازاکی. فرهنگ جهانی: رسانه‌ها، هنرها، سیاستگذاری و جهانی شدن، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.
۱۶. لیاقت‌دار، محمدجواد و علی، بیرمی‌پور و فریبا، محسنی‌مقدم. بررسی زمینه‌های فرهنگی و روانی جامعه و نیز ظرفیت فراگیران برای تحقق آموزش زبان انگلیسی در دوره ابتدایی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ش ۳۱، پاییز ۱۳۸۸.
۱۷. مک‌گوئیگان، جیم. بازاندیشی در سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت‌الله فاضلی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.



۱۸. ماه‌پیشانیان، مهسا. راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی تخصصی عملیات روانی، تهران، معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه، ش ۱۸، زمستان ۱۳۸۶.
۱۹. میلر، توبی و گئورگ، یودیس. سیاست فرهنگی، ترجمه دکتر نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.
۲۰. نیک‌نام، زهرا و محمود، مهرمحمدی و نعمت‌الله، فاضلی. آموزش علوم تجربی و فرهنگ: تبیین انسان‌شناختی یادگیری علوم تجربی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ش ۲۰، سال پنجم، بهار ۱۳۹۰.
۲۱. هایلبرونر، رابرت. بزرگان اقتصاد، ترجمه احمد شهسا، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
۲۲. داوری اردکانی، رضا. توهم توسعه علمی از طریق افزایش تعداد مقالات در فهرست ISI، مندرج روزنامه ایران، ش ۳۷۱۰، مورخ ۱۳۸۶/۵/۲۱.
۲۳. کانوی، مارتین. آموزش و پرورش در خدمت امپریالیسم فرهنگی، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲۴. قانون، فرانتس. دوزخیان روی زمین، ترجمه علی شریعتی، تهران، نیلوفر، ۱۳۶۱.
۲۵. علی‌محمدی. تحلیلی مقدماتی بر تهاجم فرهنگی، مجموعه مقالات راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، دانشگاه آزاد واحد روده‌ن، ۱۳۷۳.
۲۶. وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۴: آسیب‌شناسی دستگاه‌های متولی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور، شماره مسلسل ۱۰۹۸۳ (قابل دسترسی در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس: <http://rc.majlis.ir/fa/report>).
۲۷. روابط فرهنگی ایران - پاکستان: فرصت‌های رو به زوال، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۲۲۱۰ (قابل دسترسی در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی).
۲۸. مجموعه کتاب‌های New Interchange اثر Jack C. Richard، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۵.
۲۹. سایت www.titronline.ir
۳۰. سایت www.farsnews.com
۳۱. سایت www.samt.ac.ir
۳۲. سایت www.iranculture.org
۳۳. سایت www.farhangshenasi.ir
۳۴. سایت www.Khamenei.ir



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۳۶۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ملاحظات سیاستگذاری آموزش زبان در کشور

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه جوانان و تربیت بدنی)

تهیه و تدوین: اسماعیل نوده فراهانی

همکار: عباس مقامی

ناظر علمی: سینا کلهر

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. زبان انگلیسی

۲. جهانی‌سازی

۳. آموزش زبان

۴. جنگ نرم

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۲/۱۱